

در نمازهای واجبه و مستحبه

بدانکه نمازهای واجبی دوازده است: اول نماز شبانروزی که آنرا نماز یومیه گویند. دوم نماز جمعه، و آن دو رکعت است مثل نماز صبح، و نماز نافله قبل از نماز جمعه بیست و یک رکعت است و افضل آن است که شش رکعت را قبل از طلوع آفتاب باندک زمانی بگذارند و شش رکعت بعد از آن باندک زمانی و شش رکعت قبل از زوال باندک زمانی و دو رکعت بعد از زوال. و نماز جمعه از زن و بنده و کور و پیر و عاجز و شل که به راه رفتن قادر نباشد، ساقط است. سوم و چهارم نماز عیدین یعنی نماز عید ماه رمضان و عید قربان. پنجم نماز طواف خانه کعبه. ششم نماز آیات یعنی کسوف و خسوف و هر امر آسمانی که موجب خوف باشد مثل بادهای سرخ و سیاه و امثال آن. هفتم نماز میت. هشتم و نهم و دهم نمازی که به نذر واجب شود یا به عهد یا بسوگند. یازدهم نمازی که به اجاره واجب می‌شود. نمازی که از پدر فوت شده باشد، بر پسر بزرگتر واجب است.

اما نمازهای سنتی، و از آن جمله بیست و چهار نماز است. اول نوافل یومیه که در هر شبانروزی گذاردن آن سنت است، و آن سی و چهار رکعت است: هشت رکعت نافله ظهر است مقدم بر ظهر، و هشت رکعت نافله عصر است مقدم بر عصر، و چهار رکعت نافله مغرب است بعد از مغرب، و دو رکعت نشسته که به یک رکعت حساب است، و نافله خفتن است بعد از خفتن، و هشت رکعت نماز نافله شب است و دو رکعت نماز شفع، و یک رکعت نماز وتر است، و دو رکعت نماز نافله صبح است مقدم بر صبح. دوم نمازی است که به حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منسوب است و آن دو رکعت است، و در هر رکعتی یک نوبت فاتحه و پانزده نوبت سوره انا انزلناه و در رکوع نیز پانزده نوبت انا انزلناه و همچنین در سر برداشتن از هر رکوع و در هر سجود و در سر برداشتن از هر سجود. سوم نمازی که به حضرت امیرالمومنین علیه السلام منسوب است و آن چهار رکعت است، در هر رکعت یک نوبت فاتحه و پنجاه نوبت قل هو الله احد. و چهارم نمازی که به حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام منسوب است، و آن دو رکعت است و در رکعت اول سوره فاتحه یکبار و سوره انا انزلناه صد بار و در رکعت دوم سوره فاتحه یکبار و سوره قل

هو الله صد بار. پنجم نمازی که منسوب است به جعفر طیار رضی الله عنه، و آن چهار رکعت است به دو سلام، در رکعت اول بعد از فاتحه سوره اذا زلزلت الارض را بتمام بخواند، و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره والعدایات، و در رکعت سوم بعد از فاتحه سوره اذا جاء، و در رکعت چهارم بعد از فاتحه سوره قل هو الله، و قبل از هر رکوع پانزده نوبت "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر" بخواند و در هر رکوع ده نوبت، و در هر سر برداشتن از رکوع ده نوبت، و در هر سجده ده نوبت، و در هر سر برداشتن از سجده ده نوبت. پس این تسبیح در این نماز سیصد نوبت گفته می‌شود. این نماز را اگر هر شب گذارند، ثواب عظیم دارد. ششم نماز اعرابی، و آن ده رکعت است، دو رکعت به يك سلام، و بعد از آن هشت رکعت دیگر، هر چهار رکعت به يك سلام، و وقت آن چاشت روز جمعه است. در رکعت اول بعد از فاتحه هفت نوبت سوره قل اعوذ برب الفلق بخواند، و در رکعت دوم بعد از فاتحه هفت نوبت سوره قل اعوذ برب الناس، و چون سلام دهد هفت نوبت آیه‌الکرسی بخواند، بعد از آن هشت رکعت باقی را بگذارد و در هر رکعت بعد از فاتحه سوره اذاجاء را يك نوبت بخواند و سوره قل هو الله احد را بیست و پنج نوبت، و چون سلام دهد هفتاد نوبت بگوید "سبحان الله رب العرش الکریم و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم". هفتم نماز طلب باران و آنرا نماز استسقاء گویند، و آن دو رکعت است که گذاردن آن به جماعت افضل است، و باید که پس از فراغت از آن پیشنماز رو به قبله کند و صد بار الله اکبر بگوید، و بعد از آن بجانب راست صد نوبت لا اله الا الله، و بعد از آن بجانب چپ صد بار سبحان الله، و بعد از آن به جانب حاضران صد نوبت الحمد لله، و جمیع حاضران این ذکرها را به آواز بلند بگویند. هشتم نماز عید غدیر است و آن دو رکعت است و در هر رکعت فاتحه يك نوبت و هر يك از سوره های آیه‌الکرسی و انا انزلناه و قل هو الله ده نوبت، و سنت است که بعد از نماز، دعای طویل که در مصباح مذکور است بخواند. نهم نماز روز اول هر ماه است و آن دو رکعت است. در رکعت اول سوره فاتحه یکبار و سوره قل هو الله سی بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار و سوره انا انزلناه سی بار. دهم نماز نافله ماه رمضان و آن هزار رکعت است. و گذاردن آن به دو طریق است: طریق اول آنکه در شب اول تا بیستم هر شب بیست رکعت گذارد،

هشت رکعت میانه شام و خفتن و نوزده رکعت بعد از خفتن و در شب نوزدهم صد رکعت افزاید و همچنین در شب بیست و سوم. طریقه دوم آنکه در هر يك از شبهای نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم به صد رکعت اکتفا کند و از هشتاد رکعت که می ماند چهل رکعت را در چهار روز جمعه بگذارد هر روز ده رکعت نماز حضرت امیرالمومنین و ده رکعت نماز فاطمه زهرا و چهار رکعت نماز جعفر طیار. یازدهم نماز روز مبعث حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و آن بیست و هفتم ماه رجب است. و این نماز دوازده رکعت است هر دو رکعت به يك سلام و در هر رکعت فاتحه یکبار و هر سوره ای که از قرآن خواهد یکبار. و چون فارغ شود چهار نوبت این دعا را بخواند (متن دعا) و بعد از آن چهار نوبت این دعای دیگر را (متن دعا). دوازدهم نماز شب مبعث است و آن دوازده رکعت است. در هر رکعت فاتحه یکبار و هر يك از سوره های ناس و فلق و قل هو الله را چهار بار بخواند و چون از نماز فارغ شود چهار نوبت این دعا را بگوید (متن دعا). سیزدهم نماز روز مباحله است و آن بیست و چهارم ذیحجه است. و این نماز مثل نماز عید غدیر خوانده شود. چهاردهم نماز زیارت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و باقی معصومین علیهم السلام است. و چون زیارت حضرت امیرالمومنین علیه السلام کند نماز زیارت حضرت آدم علیه السلام و نماز زیارت حضرت نوح علیه السلام کند چون هر دو در آن مکان مقدس مدفونند. پانزدهم نماز غائب. و آنرا در شب جمعه اول ماه رجب میان شام و خفتن باید گذارد بعد از آنکه پنجشنبه را روزه بدارد. و این نماز دوازده رکعت است و در هر رکعت سوره الحمد یکبار بخواند و سوره انانزلناه سه بار و سوره قل هو الله دوازده بار. و چون سلام دهد هفتاد بار بگوید "اللهم صلی علی محمد آل محمد" بعد از آن به سجده رود و هفتاد نوبت بگوید سبوح قدوس ربنا و رب الملائکه و الروح، و چون سر از سجده بردارد هفتاد بار بگوید رب اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم انک انت العلی الاعظم، باز بسجده رود و آنچه در سجده اول گفته بهمان طریق باز بگوید و بعد از آن حاجت خود را از خدای تعالی بطلبد. شانزدهم نماز شب نصف ماه رجب. و آن سی رکعت است، در هر رکعت يك نوبت سوره فاتحه بخواند و پانزده نوبت سوره قل هو الله. هفدهم نماز شب نصف شعبان و آن چهار رکعت است در هر رکعت یکبار سوره فاتحه

بخواند و صد بار سوره قل هو الله. هیجدهم نماز عید ماه رمضان. و آن دو رکعت است، در رکعت اول یکبار سوره فاتحه بخواند و هزار بار سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم یکبار فاتحه و یکبار قل هو الله احد. نوزدهم نماز ساعت غفلت. و آن ساعت مابین نماز شام و خفتن است و این نماز را نماز غفیله گویند. و آن دو رکعت است در رکعت اول بعد از فاتحه این آیه را بخواند (متن آیه) بعد از آن حاجت خود را بطلبید. بیستم نماز سنتی که وقت شروع سفر بجا آورد. و آن دو رکعت است در هر يك سوره فاتحه و سوره دیگری از قرآن کریم یکبار بخواند و چون از نماز فارغ شود این دعا را بخواند (متن دعا). بیست و یکم نماز توبه. و آن دو رکعت است. در هر رکعت سوره فاتحه و هر سوره‌ای که خواهد بخواند و چون از نماز فارغ شد، دعای توبه را که مفصل است در صحیفه کامله مذکور است بخواند (متن دعا). بیست دوم نماز هدیه میت است. و آن دو رکعت است، در رکعت اول يك نوبت سوره فاتحه و یکنوبت سوره آیه الکرسی و در رکعت دوم يك نوبت سوره فاتحه و ده نوبت سوره انانزله و چون از نماز فارغ شود چنین گوید (متن دعا). بیست و سوم نماز روز عاشورا. و آن چهار رکعت است، در رکعت اول یکنوبت سوره فاتحه بخواند و یکنوبت سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم یکنوبت سوره فاتحه و يك نوبت سوره قل هو الله و در رکعت سوم یکنوبت سوره فاتحه و یکنوبت سوره احزاب و در رکعت چهارم يك نوبت سوره فاتحه و یکنوبت سوره منافقین. و بعد از آن نماز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام کند. بیست و چهارم نماز نوروز است. و آن چهار رکعت است به دو سلام در رکعت اول یکبار سوره فاتحه و ده نوبت سوره انانزله بخواند و در رکعت دوم بعد از سوره فاتحه ده نوبت سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سوم بعد از سوره فاتحه ده نوبت سوره قل هو الله و در رکعت چهارم بعد از فاتحه ده نوبت سوره قل اعود برب الفلق و ده نوبت سوره قل اعود برب الناس و بعد از سلام بسجده رود و این دعا را در سجده بخواند (متن دعا) و وقت این نماز بعد از فارغ شدن است از نماز ظهر و عصر و نافله آن که در اول وقت گذارده شود.

و چون نمازگذار از هر يك از نمازهای اجب و مستحب فارغ شود، سنت است که به تعقیب اشتغال نماید. و اول تعقیب به نوبت الله اکبر گفتن است

در هر نوبت دستها را بنزدیک گوش برساند و بعد از آن بگوید (متن مفصل دعا). و بعد از آن تسبیح فاطمه زهرا علیهما السلام را بجا آورد، و آن سی و چهار نوبت الله اکبر و سی و سه نوبت الحمد لله و سی و سه مرتبه سبحان الله، و باید که بعد از آن سجده شکر بجا آورد و باید که در سجده شکر پیشانی را بر خاک گذارد. که البته خاک کربلا افضل است و ساق و دستها و سینه و شکم را بر زمین برساند و این دعا را بخواند (متن دعا). بعد آن سه نوبت بگوید (متن دعا) بعد از آن جانب راست روی خود را بر زمین گذارد و بگوید (متن دعا) و بعد از جانب چپ رو را بر سجده‌گاه گذارد و سه نوبت بگوید (متن دعا). بعد از آن نوبت دیگر پیشانی را بر سجده‌گاه گذارد و صد مرتبه شکر شکر بگوید. و چون سر از سجده بردارد، دست راست را سه نوبت بر سجده‌گاه گذارد و هر نوبت بر جانب چپ رو و پیشانی و جانب راست رو بمالد و بگوید (متن دعا). (جامع عباسی، باب دوم، احکام نمازهای واجبی و مستحب و افعال واجبه در نماز).

- می‌توان بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می‌روید، مانند چوب و برگ درخت سجده کرد. ولی احتیاط واجب آن است که بر برگ درخت مو اگر تازه باشد سجده نکنند. سجده بر چیزهایی که خوراک حیوان است مثل علف و کاه صحیح است، ولی بر گیاهی که خوردن آن در بعضی شهرها معمول است و در شهرهای دیگر معمول نیست، صحیح نیست. و نیز صحیح نیست سجده بر میوه نارس. اما سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند صحیح است. و بر دواهای خوراکی که از زمین می‌روید مانند گل بنفشه و گل گاو زبان صحیح نیست. به آهک پخته و کوزه گلی و کاغذی که از کاه یا پنبه ساخته باشند می‌شود سجده کرد.

- سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکالی ندارد، ولی گفتن آخر نماز را باطل می‌کند.

- در حال نماز، اگر دیگری سلام کند، نماز گذار باید جواب دهد "السلام علیکم" و نباید بگوید "علیکم السلام".

زن و مرد بر زن است. چهارم عمدا بر جنابت ماند است تا وقت صبح و در زن تاخیر غسل حیض یا استخاضه یا نفاس تا وقت صبح.

- و اگر طیبیب حاذق گوید که علاج بیمار، منحصر است در مجامعت، و تاخیر مجامعت تا شب خطر عظیم دارد(!)، در این صورت مجامعت در روز ماه رمضان واجب می‌شود. پس اگر زن یا کنیزك این کس روزه واجب داشته باشد و عورتی دیگر که روزه بر او واجب نباشد یافت نشود، زن خود یا کنیز خود را می‌تواند که زور مجامعت کند ولی بر ایشان ممانعت آنقدر که توانند لازم است... و نیز واجب است مباشرت با حلال خود کردن در شب اول ماه رمضان.

- و آنچه روزه‌دار را بفعل آوردن آن مکروه است، یازده امر است: اول شعر خواندن، اگر چه مدح حضرات مقدسات باشد. دوم مکث بسیار در حمام کردن. سوم زنان را بوسیدن یا با دست بازی کردن. چهارم شیافت برداشتن. پنجم حقه کردن. ششم سقر خائیدن. هفتم در گوش یا بینی چیزی چکانیدن. هشتم شکوفه و گل بو کردن علی‌الخصوص نرگس را. نهم پیراهن بر تن خود تر کردن. دهم سرمه که مشک یا صبر داشته باشد در چشم کشیدن. یازدهم زنان را در آب مکث کردن (جامع عباسی، باب چهارم، احکام روزه‌های واجبی و مستحبی و حرام و مکروه و مبطلات روزه).

- اگر شخصی پیش از اذان صبح نیت روزه کند و مست شود و در بین روز بهوش آید احتیاط واجب آن است که روزه آنروز را تمام کند و قضای آنرا هم بجا آورد.

- جماع روزه را باطل می‌کند، اگر چه فقط به اندازه ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

- اگر کمتر از مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، روزه باطل نمی‌شود.

- کسی که آلتش را بریده‌اند، اگر کمتر از ختنه‌گاه را هم داخل کند(!)، روزه‌اش باطل می‌شود.

- کسی که آلتش را بریده‌اند، اگر شك کند که دخول شده یا نه، روزه او صحیح است.
- اگر کسی شك کند که باندازه ختنه‌گاه داخل شده یا نه، روزه او صحیح است.
- اگر کسی فراموش کند که روزه است یا او را به جماع مجبور نمایند(!)، روزه او باطل نمی‌شود.
- اگر بی‌اختیار منی از او بیرون آید، روزه‌اش باطل است.
- اگر روزهدار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود، واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند(!).
- برای روزهدار مکروه است استعمال شیاف، و اینکه بدون قصد بیرون آمدن منی زن خود را ببوسد.
- اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، مثل شراب و زنا، یا نزدیکی کردن باعیال خود در حال حیض، باید به كفاره يك بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند.
- اگر روزهدار در يك روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند، يك كفاره بر او واجب است. ولی اگر جماع حرام کند، يك كفاره جمع باید بدهد.
- اگر روزهدار اول جماع حرام کند و بعد با حلال خود جماع نماید، يك كفاره جمعی کافی است.
- اگر زنی، شوهر روزهدار خود را مجبور کند که جماع نماید، واجب نیست كفاره روزه شوهر را بدهد.
- اگر روزهدار در ماه رمضان با زن روزهدار خود در حالیکه خواب است جماع نماید، يك كفاره بر او واجب می‌شود، ولی روزه آن زن صحیح است.
- اگر روزه ماه رمضان را عمدا نگیرد و در روز کاری که روزه را باطل می‌کند مکرر انجام دهد مثلا چند مرتبه جماع کند، يك كفاره کافی است. (آیت‌الله خمینی، توضیح المسائل، احکام روزه و مبطلات آن).

در احکام حج

بدانکه در حالت احرام دوازده امر مکروه است: اول حمام رفتن. دوم شستن جامه احرام، هر چند چرکین شود. سوم بو کردن میوه مثل سیب و به و غیر آن. چهارم تکلم کردن بغیر تلبیات و قرآن و ذکر خدا و حاجت ضروری. پنجم در جواب احدی لبیک گفتن. ششم خوابیدن بر فرشی که سفید نباشد. هفتم تراشیدن سر شخصی که احرام نداشته باشد. هشتم غسل کردن از برای خنک ساختن بدن. نهم آنکه جامه احرام از غیر پنبه باشد. دهم آنکه جامه احرام میل میل باشد یعنی خطها داشته باشد. یازدهم آنکه سیاه باشد. دوازدهم آنکه در ابتدای احرام، جامه احرام چرکین باشد. اما اگر در انتهای احرام چرکین شود، پوشیدن آن مکروه نیست.

و اما آنچه در حالت احرام بجا آوردن حرام است: اول شکار کردن یا شخصی را شکار فرمودن، اما شکار کردن جانوران آبی درحال احرام حرام نیست^۱. و مراد از جانور آبی حیوانی است که در آب تخم کند. پس شکار کردن غاز و اردک که در خشکی تخم کنند، حرام است. و شکار کردن حیوانی که گوشت آنها حرام است مثل خوک و پلنگ و چرخ و باز در حال احرام حلال است. اما جانورانی که شکار کردن آنها در حال احرام حرام است شش جانور است و آن شیر(!) و روباه و خرگوش و خارپشت و سوسمار و یربوع است. دوم جماع کردن است و مقدمات آن مثل بوسه و دستبازی کردن با حلال خود و عقد نکاح کردن از برای خود یا از برای دیگری. اما رجوع در طلاق و کنیزک خریدن بقصد آنکه بعد از احرام مباشرت کند، جائز است. سوم گواه شدن بر عقد نکاح و گواهی دادن به آن. چهارم بو کردن مشک و عنبر و عود و صندل و مانند آن. و در بو کردن گل نرگس و بنفشه، میانه مجتهدین خلاف است. پنجم بینی گرفتن محرم از چیزهای بدبو. ششم آنکه مرد وقت راه رفتن در سایه چیزی رود که آن چیز بر بالای سر او باشد نه در پهلوی او مثل سایه دیوار، اما در سایه کجاوه راه رفتن مرد را جائز است هر چند که بالای سر او باشد. هفتم کشتن شپش از بدن یا آنرا از جامه خود دور انداختن. هشتم سر مه سیاه در چشم

۱- البته مراد شکار این جانوران در مکه و اطراف آن است که احرام در آنجا بسته می‌شود.

کشیدن. نهم حنا بستن. دهم در آینه نگاه کردن. یازدهم دندان کردن. دوازدهم سلاح پوشیدن. (جامع عباسی، باب پنجم، در انواع حج و آداب آن و امور متعلقه).

در احکام خمس و زکوة

بدانکه در باب زکوة دادن تاکید بسیار شده است. از آنجمله از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقول است که شخصی که زکوة مال خود نمی‌دهد، خدای تعالی در روز قیامت مار و افعی بر او می‌گمارد که دست او را بگزد و طوق گردن او باشد و هر شتر و گاو و گوسفندی که زکوة او را نداده باشند، آن شخص را در زیر و دست و پای خود می‌گیرند و شاخداران او را شاخ می‌زنند تا وقتیکه حساب خلائق به آخر رسد.

و زکوة در نه چیز واجب است: طلا و نقره و گندم و جو و خرما و مویز و شتر و گاو و گوسفند. پس در کمتر از پنج شتر زکوة نیست و تا به بیست و شش شتر نرسد، زکوة هر پنج شتر يك راس گوسفند است. و چون به بیست و شش رسد، زکوة آن یکنفر شتر ماده است که یکسال تمام کرده باشد و داخل سال دوم شده باشد. و چون به سی و شش رسد، زکوة آن یکنفر شتر ماده است که داخل سال سوم شده باشد و چون به چهل و شش رسد، زکوة آن یکنفر شتر ماده است که داخل سال چهارم شده باشد (بهمین ترتیب تا یکصد و بیست و يك شتر). و گاو تا سی نرسد زکوة ندارد. و چون به سی رسد، زکوة آن یکفرد گوساله است، خواه نر و خواه ماده، که در سال دوم داخل شده باشد. و چون به چهل رسد، زکوة یکفرد گوساله است که در سال سوم داخل شده باشد. و گوسفند تا به چهل نرسد، زکوة ندارد. و چون به چهل رسد، زکوة يك راس گوسفند است. و چون به صد و بیست و يك رسد، زکوة دو راس گوسفند است. و چون به دویست و يك رسد، زکوة سه راس گوسفند است. و چون به سیصد و يك رسد، زکوة چهار راس گوسفند است. و چون به چهارصد رسد، زکوة در هر صد راس يك راس است.

و اما از زمره آنچه خمس بر آن واجب است: غنیمتی که از کافران حربی بدست آید. و هر گاه معدنی بهم رسد، مثل گل ارمنی بشرط اینکه بعد از

خرج کردن و صاف نمودن قیمت، آنچه بماند بیست مثقال شرعی باشد. و زری که در زمین یافت شود، پس اگر در بلاد کافران حربی یافت شده باشد، دادن خمس آن واجب است، خواه اثر اسلام بر آن باشد، و خواه نباشد و همچنین اگر در بلاد اسلام یافت شده باشد و اثر اسلام بر آن نباشد.

و بدانکه نصف خمس تعلق به حضرت صاحب الزمان علیه السلام دارد، و نصف دیگر به سادات، یعنی جمعی که از جانب پدر به هاشم جد حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منسوبند، اگر چه از اولاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نباشند، بشرط آنکه شیعه اثنی عشری باشند. و اما آن نصف که تعلق به حضرت صاحب الزمان علیه السلام دارد، در زمان غیبت آن حضرت بر صاحب مال واجب است که به مجتهد دهد. (جامع عباسی، باب سوم، احکام زکوة و بیان اجناس زکوی و زکوة مستحبی و احکام خمس).

- خمس را باید دو قسمت کنند: يك قسمت آن سهم سادات است و نصف دیگر آن سهم امام علیه السلام است که در این زمان باید به مجتهد جامع الشرايط بدهند.

- به سیدی که عادل نیست، می شود خمس داد. ولی به سیدی که دوازده امامی نیست نباید خمس بدهند.

- سلّت که دانه ای است به نرمی گندم و خاصیت جو دارد، زکوة ندارد. و علس که مثل گندم است و خوراك مردمان صنعا می باشد، زکوة دارد.

- اگر صاحب گاو گوسفند و شتر و طلا و نقره در مقداری از سال مست شود یا بی هوش شود، زکوة از او ساقط نمی شود. همچنین است اگر موقع واجب شدن زکوة گندم و جو و خرما و کشمش، مست یا بی هوش باشد.

- اگر در يك زمین جو و گندم و چیز دیگری مثل برنج و لوبیا بکارد، فقط خرجهایی که برای جو و گندم کرده حساب می شود، زکوة برنج و لوبیا واجب نیست.

- کسیکه زکوة می گیرد، باید شیعه دوازده امامی باشد و اگر از راه شرعی شیعه بودن کسی ثابت شود و بعدا زکوة تلف شود و معلوم شود شیعه نبوده، لازم نیست دوباره زکوة بدهد.

- اگر انسان زکوة به پسرش بدهد که خرج زن و نوکر و کلفت خود نماید، اشکال ندارد.

- پدر می‌تواند به پسرش زکوة بدهد که زن بگیرد. پسر هم می‌تواند به پدرش زکوة بدهد که زن بگیرد.

- سید نمی‌تواند از غیرسید زکوة بگیرد. ولی اگر خمس و سایر وجوهات کفایت مخارج او را نکند، می‌تواند از غیرسید زکوة بگیرد. (آیت‌الله خمینی، توضیح المسائل، احکام خمس و زکوة و مسائل متفرقه زکوة).

در احکام معاملات

- بدانکه خریدن و فروختن بچه‌ای که در شکم مادر و پشت پدر باشد تنها، یعنی بی آنکه چیزی به آن ضم کنند، مکروه است. و نیز بیع بنده گریخته، و مرغ در هوا، و خریدن و فروختن پشمی که بر پشت حیوانات باشد، به تنهایی جایز نیست. و مکروه است معامله کردن با کُردان و سفلگان و دونان و اهل برص و جذام، و معامله کردن با یهودی و نصاری و مجوس، و زرگری کردن، و فروختن کنیز حامله که او را خریده باشند و بعد از چهار ماه باو دخول کرده باشند، و خریداری نمودن خویشان چون برادر و عم و خال، و فروختن فرزند کنیزی که از راه زنا حامله شده باشد.

و مکروه است که بعد از خریدن غلام و کنیز اسم ایشان را تغییر بدهند و یا شیرینی به ایشان بخورانند.

و مکروه است سفر دریا کردن جهت تجارت، هر گاه ظن غالب سلامتی باشد یعنی در غیر تلاطم امواج دریا.

و مکروه است دانستن غلام و کنیز قیمت خود را در وقت خریدن. و اگر موی بر پشت زهار غلام نباشد، و غلام بی‌خنته باشد بشرط آنکه مشتری نداند که او را خنته نکرده‌اند، و در صورت بی‌قوت بودن دست راست غلام، یا قوت داشتن دست چپ او، پس مشتری هر گاه عالم به این عیوب شود، اختیار فسخ دارد.

و میان مجتهدین خلاف است در آنکه گرو کردن مرغ در هوا و ماهی در دریا، آیا جایز است یا نه؟

و حرام است اجاره دادن طفل و مجنون و سفیه و مفلس، و اجاره گوسفند نر که بر گوسفند ماده اندازند، و اجاره دادن کسی جهت تصویر صورتهای سایه‌دار. و مکروه است اجاره شخصی جهت گریه کردن به باطل، اما جهت نوحه به حق جائز است. (جامع عباسی، باب نهم، در تجارت و کسب واجب و سنت و مباح و حرام و مکروه و آداب و احکام آن).

- از معاملات مکروه است: ملک فروشی، کفن فروشی، قصابی، خرید و فروش گندم و جو، معامله با مردمان پست، معامله بین اذان صبح و اول آفتاب.
- و از معاملات باطل است: خرید و فروش بول و غایط و مسکرات، خرید و فروش چیزهایی که مال نیست، معامله آلات قمار و موسیقی.
- معامله روغنی که از حیوان بعد از جان دادن آن می‌گیرند، چنانچه در شهر کفار از دست کافر بگیرند، و از حیوانی باشد که اگر رگ آنرا ببرند، خون از آن جستن می‌کند، باطل است.

- اگر يك من گندم را مثلا به يك من گندم و يك قران پول بفروشند، ربا است. بلکه اگر چیز زیادتری نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد، باز هم ربا است. و گناه يك درهم ربا بزرگتر از آن است که انسان هفتاد مرتبه با کسی که با او محرم است، زنا کند. ولی اگر ده تا تخم مرغ بدهد و یازده تا بگیرد، اشکال ندارد.

- اگر مسلمان از کافری که در پناه اسلام نیست، ربا بگیرد، اشکال ندارد. و نیز پدر و فرزند و زن و شوهر می‌توانند از یکدیگر ربا بگیرند.

- فروختن اسبی که فرار کرده، صحیح نیست. ولی اگر بنده‌ای را که فرار کرده، همراه با يك فرش یا نظیر آن بفروشند، اگر چه آن بنده پیدا نشود، معامله صحیح است. و در غیربنده معامله مشکل است.

- اگر بخواهند میوه‌ای را که بر درخت است، پیش از آنکه گلش بریزد بفروشند، باید چیزی از حاصل زمین مانند سبزیها را با آن بفروشند.

- اگر خرمائی را که زرد یا سرخ شده بر درخت بفروشند، اشکال ندارد. ولی نباید عوض آن را خرما بگیرند. فروختن خیار و بادنجان اشکال ندارد.

- بچه صغیری را که ولی ندارد، بدون اجازه مجتهد نمی‌توان اجیر کرد. ولی کسی که به مجتهد دسترسی ندارد، می‌تواند از یک نفر مومن که عادل باشد اجازه بگیرد و او را اجیر نماید.

- اگر کسی بچه‌ای را ختنه کند و ضرری به آن بچه برسد یا بمیرد، چنانچه بیشتر از معمول بریده باشد، ضامن است. و اگر بیشتر از معمول نبریده باشد، ضامن نیست. (آیت‌الله خمینی، توضیح المسائل، احکام خرید و فروش و معاملات مکروه و باطل).

در احکام نکاح

بدانکه مکروه است نکاح زنان سفیه، و نکاح دختری که نگاه به عورت مادر او کرده باشند، و نکاح زنی سنّی. و نیز از مکروهات است: عقد کردن در وقتی که قمر در برج عقرب باشد، و عقد کردن در سه روز آخر ماه، و ترك بسم الله کردن در حالت دخول، و در حال جماع نگاه کردن به فرج زن، ولی کراهت دیدن اندرون آن بیشتر است و بعضی از مجتهدین این را حرام می‌دانند و در حدیث آمده که اگر فرزندی در این حال حاصل شود کور خواهد بود. و مکروه است سخن گفتن در حال جماع خصوصا مرد را مگر ذکر خدا تعالی (!). چه در حدیث آمده که اگر در حال جماع سخن گویند فرزندی که حاصل شود گنگ خواهد بود. و مکروه است نکاح زن با مرد فاسق، خصوصا اگر شریاخور یا سنّی یا مستضعف باشد. و مکروه است نکاح کردن زنان سیاه پوست سوای زنان مملکت نوبی. و مکروه است ریختن منی در غیر فرج زن آزادی که به عقد دوام او را خواسته باشند بی اذن او. و مکروه است خوابیدن میان دو زن آزاد، اما خوابیدن میان دو کنیز مکروه نیست.

و حرام است دخول کسی بر کنیزی که پسر او بدو دخول کرده باشد. اما اگر هر يك از پدر و پسر زن یکدیگر را به شبهه دخول کنند (!)، آیا بر دیگری حرام می‌شود یا نه؟ میانه مجتهدین در آن اختلاف است، و اصح آن است که حرام نمی‌شود. همچنین خلاف است میانه مجتهدین در اینکه کنیزی را که پدر یا پسر دست به شهوت به او مالیده باشند یا نگاه کرده باشند، به جایی که غیر از آقا کسی دیگری دست نتواند مالیدن و نگاه کردن، آیا به مجرد نگاه کردن یا

دست مالیدن یکی حرام مؤبد می‌شود بر دیگری؟ اقرب آن است که حرام نمی‌شود بلکه مکروه است. و بعضی از مجتهدین بر آنند که اگر پسر دست مالیده باشد، بر پدر حرام نمی‌شود، اما اگر پدر دست مالیده باشد بر پسر حرام می‌شود.

و اگر زن بزرگ شخصی، زن كوچك او را شیر دهد(!)، هر دو بر شوهر حرام می‌شوند، هر گاه به زن بزرگ دخول کرده باشد. و اگر دخول نکرده باشد، زن بزرگ حرام می‌شود و بس.

و زنانی که شوهر داشته باشند و جمعی با ایشان زنا کنند، در اینصورت آن زنان بر آنهائی که به آنها دخول کرده‌اند حرام مؤبد می‌شوند.

و دختران عمه و خاله بر کسی که با عمه و خاله خود زنا کند، حرام مؤبد می‌شوند. اما اگر به عمه و خاله به شبهه دخول کرده باشد، یا عقد دختران ایشان پیش از زناى ایشان واقع شده باشد، حرام نمی‌شوند.

و حرامند مادران و دختران و خواهران مردانی که با ایشان لواط کرده باشند و تمام یا قسمتی از حشفه در مقعد ایشان غائب شده باشد. در این صورت مادران و خواهران و دختران شخص لواط دهنده بر لواط کننده حرام مؤبد می‌شوند، هر گاه عقد ایشان پیش از لواط کردن نباشد. ولی میان مجتهدین خلاف است در حرام بودن مادر مادر او(!) و دختر دختر او. اما یقین است که دختر خواهر او حرام نمی‌شود.

و در حرام بودن جمع میانه عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر هر گاه کنیز باشند، اختلاف است میانه مجتهدین. و افضل المتأخرین بهاء‌الملة و الدین محمد طاب ثراه نیز در این مسئله با ایشان متفق بوده‌اند، زیرا که در این باب حدیثی بنظر نرسیده است.

و دختری که هنوز نه سال نداشته باشد و شوهر با او دخول کند و مخرج حیض و بول یا مخرج بول و غایب او یکی شود بر شوهر خود حرام مؤبد می‌شود. اما اگر دختر بالغ باشد و شوهرش چون با او دخول کند این حال واقع شود، آیا حرام مؤبد می‌شود یا نه؟ میانه مجتهدین در آن خلاف است. همچنین خلاف است در اینکه اگر بکارت دختری را با انگشت ببرند، آیا حرام مؤبد می‌شود یا نه؟ و اقرب آن است که حرام نمی‌شود.

و هرگاه هر يك از دو شخص دختر خود را به نکاح دیگری دهند که مهر هر يك از آنها فرج دیگری باشد، این نکاح باطل است و آنرا شقار می‌گویند. (جامع عباسی، باب یازدهم، در نکاح واجب و سنت و حرام و مکروه و مباح و نکاح متعه و کنیز).

* * *

- بدانکه در خوابیدن شب پیش زنان، میانه مجتهدین اختلاف است که آیا واجب است یا نه؟ بعضی از مجتهدین گفته‌اند که واجب نیست مگر آنکه میانه ایشان ابتدا به قسمت کند. و بعضی از مجتهدین بر آنند که اگر کسی يك زن داشته باشد، قسمت واجب نیست. پس اگر مرد زیاده از يك زن دائمی نداشته باشد، بر او لازم است که در هر چهار شب يك شب نزد او بخوابد. پس اگر دو زن داشته باشد، دو شب پیش ایشان بخوابد و دو شب دیگر هر جا که خواهد بخوابد. و اگر سه زن داشته باشد، سه شب پیش ایشان بخوابد و يك شب هر جا که خواهد بخوابد. و اگر چهار زن دائمی داشته باشد، واجب است که هر شب پیش یکی از ایشان بخوابد. و روز پیش زنان بودن لازم نیست. و در شب خوابیدن میانه زنان، ابتدا به زنی کند که نام او به قرعه بیرون آید. و اگر کسی يك زن آزاد داشته باشد و يك کنیز، دو شب پیش زن آزاد بخوابد و يك شب پیش کنیز، و پنج شب دیگر هفته هر جا که خواهد بخوابد. و اگر شوهر به سفر رود، شب خوابیدن پیش زنان ساقط می‌شود. و آیا قضای آن بر شوهر واجب است یا نه؟ میانه مجتهدین در اینبار اختلاف است. و واجب در شب خوابیدن پیش زن آن است که نزدیک او بخوابد، اما دخول کردن بر زن لازم نیست، مگر در چهار ماه يك نوبت. و کسیکه بواسطه مانعی شب پیش زنان خود نتواند خوابیدن چون پاسبانان و شبگردان، روز ایشان بجای شب ایشان است.

و اگر دختر بکر به خانه شوهر آرند، باید هفت شب پیش او خوابیدن. و اگر بکر نباشد، سه شب پیش او بخوابد. و جائز نیست که زن عوض شب خوابیدن چیزی از شوهر بگیرد. و اگر شوهر در شب پیش زنان بر ایشان ظلم کند، واجب است که آن را قضا کند بقدر آنچه پیش ایشان خوابیده باشد.

- بدانکه بمحض دخول کردن در قبل یا در دبر زن، پرداختن مهر او واجب می‌شود، خواه به عقد صحیح باشد و خواه به شبهه. و ممکن نیست که دخول بی‌مهر باشد. و واجب نیست در یکبار دخول کردن الا يك مهر، مگر در پنج موضع: اول آنکه شخصی کنیز دیگری را به شبهه دخول کند و در اثنای دخول کردن آقای آن کنیز او را بفروشد و تا تمام نشدن دخول در ملك آقای دوم باشد. و بعضی از مجتهدین گفته‌اند که در این صورت دخول کننده دو مهر می‌دهد: یکی به آقای اول و یکی به آقای دوم. دوم آنکه زن پسر را پدر به شبهه دخول کند. درین صورت بعضی از مجتهدین برآنند که پدر دو مهر می‌دهد: يك مهر به زن جهت دخول باو و يك مهر به پسر خود جهت فسخ نکاح میانه پسر و زن. سوم آنکه شخصی زنی را نکاح کند و پسر او دختر آن زن را نکاح کند. آنگاه دختر را پدر به شبهه وطی کند و مادر را پسر. درینصورت هر کدام زودتر دخول کرده باشند، مهر آن زنی را که به شبهه دخول کرده باضافه نصف مهر زن خود را می‌دهد، و آنکس که بعد از او دخول کرده نیز يك مهر و نصف مهر می‌دهد و در نصف مهر رجوع می‌کند بر کسیکه بیشتر دخول کرده باشد. پس آن کس که بیشتر دخول کرده باشد دو مهر می‌دهد. چهارم آنکه هر گاه شخصی دو زن را در دو وقت عقد کرده باشد و به زنی که آخر عقد کرده باشد دخول کند و آنگاه ظاهر شود که یکی مادر و دیگری دختر بوده. درین صورت آن زنی که به شبهه دخول به او واقع شده تمام مهر را می‌گیرد و آن زنی که بیشتر عقد او کرده‌اند نصف مهر را می‌گیرد. پس به سبب دخول کردن يك مهر و نصف می‌دهد. پنجم آنکه با زن یائسه یعنی زنی که از حیض دیدن مایوس شده باشد دخول کند، و در اثنای دخول کردن او را طلاق گوید. درینصورت مهر مسمی و مهر المثل به آن زن می‌دهد و اگر در ثانی عقد کند دو مهر مسمی می‌دهد. (جامع عباسی، باب دوازدهم، اقسام طلاق از واجب و حرام و مکروه و سنت).

* * *

- بدانکه: هر يك از مرد و زن پیش از عقد نکاح دیوانه باشد، خواه دیوانگی او دائمی باشد و خواه دوری، و خواه دخول کرده باشد و خواه نکرده باشد، فسخ نکاح می‌توان کرد. اما اگر بعد از عقد دیوانگی حادث شود،

- عقد ازدواج بر دو نوع است: عقد دائم که مدت زناشویی در آن معین نشود، و عقد غیردائم که مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یکروز یا یک ماه یا یک سال یا بیشتر عقد نمایند، و زنی را که این قسم عقد کنند متعه یا صیغه می‌نامند. - زن و مرد تا یقین نکنند که وکیل آنها صیغه خوانده است، نمی‌توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند و گمان به اینکه وکیل صیغه را خوانده است کافی نیست.

- صیغه عقد ازدواج باید به عربی صحیح خوانده شود، بدون یک حرف غلط. و کسیکه دستور زبان عربی را نمی‌داند اگر قرائتش صحیح باشد می‌تواند عقد را بخواند.

- پدر و جد پدری می‌توانند برای فرزند نابالغ یا دیوانه خود که به حال دیوانگی بالغ شده است، ازدواج کنند و بعد از آنکه آن طفل بالغ شد یا دیوانه عاقل گردید، اگر ازدواجی که برای او کرده‌اند مفسده نداشته باشد، نمی‌تواند آنها را بهم بزند.

- دختری که بحد بلوغ رسیده و مصلحت خود را تشخیص می‌دهد اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد، باید از پدر و جد پدری خود اجازه بگیرد. ولی اجازه مادر و برادر لازم نیست.

- اگر پدر یا جد پدری برای پسر نابالغ خود زن بگیرد، پسر باید بعد از بالغ شدن خرج آن زن را بدهد.

- اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد، می‌تواند عقد را به هم بزند: اول دیوانگی. دوم خوره. سوم برص. چهارم کوری. پنجم شل بودن. ششم آنکه راه بول و حیض و غایط او یکی شده باشد. ولی اگر راه حیض و غایط او یکی شده باشد، بهم زدن عقد اشکال دارد. هفتم آنکه گوشت یا استخوانی یا غده‌ای در فرج او باشد که مانع نزدیکی گردد.

- اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او دیوانه است، یا آلت مردی ندارد، یا عنین است و نمی‌تواند وطی نماید، یا تخمهای او را کشیده‌اند، می‌تواند عقد را بهم بزند.

- اگر انسان پیش از آنکه دختر عمه یا دخترخاله خود را بگیرد، با مادر آنان زنا کند، دیگر نمی‌تواند با آنان ازدواج نماید. ولی اگر با دختر عمه یا

دخترخاله خود ازدواج نماید و پیش از آنکه با آنان نزدیکی نماید، با مادرشان زنا کند، عقد آنان اشکال ندارد.

- اگر با زنی غیر از عمه و خاله خود زنا کند، احتیاط واجب آن است که با دختر او ازدواج نکند. ولی اگر زنی را عقد نماید و با او نزدیکی کند و بعد با مادر او زنا کند، آن زن بر او حرام نمی‌شود و همچنین است اگر پیش از آنکه با او نزدیکی کند، با مادر او زنا نماید.

- زن شوهردار اگر زنا بدهد بر شوهر خود حرام نمی‌شود.

- مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است. اگر چه لواط کننده و لواط دهنده بالغ نباشند. ولی اگر گمان کند که دخول شده، یا شك کند که دخول شده باشد، بر او حرام نمی‌شوند.

- اگر با مادر یا خواهر یا دختر کسی ازدواج نماید، و بعد از ازدواج با آن کس لواط کند، آنها بر او حرام نمی‌شوند.

- اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند، و پیش از آنکه نه سال دختر تمام شده باشد با او دخول کند، چنانچه راه بول و حیض یا راه حیض و غایب او را یکی نماید، دیگر نباید با او نزدیکی کند.

- زنی که عقد دائمی شده، نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، و باید خود را برای هر لذتی که شوهرش می‌خواهد تسلیم او کند. و اگر در این مورد اطاعت شوهر را نکند گناهکار است و حق غذا و لباس و منزل را ندارد.

- زنی که صیغه شده، اگر چه آبستن شود، حق خرجی ندارد و از شوهر ارث نمی‌برد.

- اگر در حال ناچاری زن بخواهد زن دیگر یا مردی غیر از شوهر خود را تنقیه کند یا عورت او را آب بکشد، باید چیزی در دست کند که دست او به عورت آن مرد نرسد و همچنین است اگر مرد بخواهد مرد دیگری یا زنی غیر زن خود را تنقیه کند یا عورت او را آب بکشد.

- اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند دست به بدن او بزند اشکال ندارد. ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند، نباید دست به بدن او بزند، و اگر با دست زدن بتواند معالجه کندف نباید او را نگاه کند.

- اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند، بنا بر احتیاط واجب باید آئینه رادر مقابل گذاشته و در آن نگاه کند.

- اگر زن بگوید یائسه‌ام نباید حرف او را قبول کرد. ولی اگر بگوید شوهر ندارم حرف او قبول است.

- مستحب است در شوهر دادن دختری که به نه سال رسیده و ملکف شده است عجله نکنند. حضرت صادق علیه‌السلام فرمودند: یکی از سعادت‌های مرد آن است که دخترش در خانه او حیض نیبند.

- هر گاه مرد در روزه ماه رمضان یا در حال حیض زن با او نزدیکی کند، معصیت کرده ولی اگر بچه‌ای از آنان بدنیا آید، حلال زاده است.

- برای شیردادن بچه سزاوار است که مادر از شوهر خود مزد نگیرد، و اگر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد، شوهر می‌تواند بچه را از او گرفته و به دایه بدهد.

- زنی که نه سالش تمام نشده عده ندارد، یعنی اگر چه شوهرش با او نزدیکی کرده باشد بعد از طلاق می‌تواند فوراً شوهر کند.

- ابتدای عده طلاق از موقعی است که خواندن صیغه طلاق تمام می‌شود خواه زن بداند یا خیر.

- اگر با زن نامحرمی بگمان اینکه عیال خود او است نزدیکی کند، چه زن بداند که او شوهرش نیست و چه گمان کند که شوهرش می‌باشد باید عده نگهدارد.

- اگر با زنی که می‌داند عیالش نیست زنا کند، چنانچه زن بداند که آن مرد شوهرش نیست، بنا بر احتیاط واجب باید عده نگهدارد.

- اگر کسی زن خود را بدون اینکه او بفهمد طلاق بدهد و مثلاً بعد از یکسال بگوید یکسال پیش ترا طلاق دادم. و شرعاً هم ثابت کند، می‌تواند چیزهایی را که در این مدت برای زن تهیه نموده و او مصرف نکرده است، پس بگیرد. ولی چیزهایی را که مصرف کرده نمی‌تواند مطالبه کند.

- وارد نمودن منی مرد در رحم زوجه او با آلاتی مثل آب دزدك اشکال ندارد، بشرط آنکه مرد منی خود را بوجه حلال بدست بیاورد. ولی اگر منی مرد را در رحم زنش وارد نمودند، چه بهوجه حلال و چه به وجه حرام، و از آن

بچه تولید شد، اشکالی نیست. اگر منی مردی را داخل رحم زن اجنبیه نمودند و معلوم شد بچه از آن منی است، پس اگر این عمل بطور شبهه بوده یعنی گمان می‌کرد زن خودش هست و زن نیز گمان می‌کرد منی شوهر هست و بعد از عمل معلوم شد از شوهر نیست، اشکالی نیست. ولی اگر از روی علم و عمد باشد، محل اشکال است. و اگر این بچه دختر باشد، پدر نمی‌تواند او را به زنی بگیرد و اگر پسر باشد نمی‌تواند مادرش را بگیرد. (آیت‌الله خمینی، توضیح المسائل، احکام نکاح و متعه و طلاق و مسائل متفرقه زناشوئی).

در احکام دخول بر زن

و آن بر پنجاه و یک وجه است: سه وجه واجب، و شانزده وجه حرام، و پنج وجه سنت، و بیست و هفت وجه مکروه. اما سه وجه واجب: اول دخول کردن بعد از چهار ماه، چه هرگاه چهار ماه بگذرد و به زن خود دخول نکند، و اجبست که بعد از آن دخول کند بر او بی‌عذر شرعی. دوم هرگاه شخصی قسم خورد که با زن خود دخول نکند. در این صورت آن زن معامله خود را به حاکم شرعی عرض می‌کند و حاکم شرع تا چهار ماه آن شخص را مهلت می‌دهد و مخیر می‌سازد میانه دخول کردن یا کفاره دادن و یا طلاق دادن. و آنگاه بر او واجب می‌شود دخول کردن. سوم هرگاه کسی با زن خود گوید پشت تو همچون پشت مادر من است. در این صورت آن زن حال خود را به حاکم شرع عرضه می‌کند و حاکم شرع تا سه ماه او را مهلت می‌دهد. آنگاه واجبست بر او دخول کردن یا کفاره یا طلاق دادن.

اما شانزده وجه حرام: اول اگر شخصی زن دیگری را به شبهه دخول کند، شوهر آن زن را دخول کردن به آن زن حرام است تا آنکه از عده دخول کننده بیرون رود. دوم هرگاه به سبب دخول کردن به دختر غیربالغ، مخرج بول و غایط یا مخرج حیض و بول او یکی شود، دخول کردن باو حرام است. سوم هرگاه کسی به زن به زن خود گفته باشد که پشت تو همچون پشت مادر من است، پیش از آنکه کفاره بدهد دخول کردن حرام است. چهارم دخول کردن به یکی از زنان در شبی که نوبت زن دیگری باشد، بی‌اذن زنی که نوبت او باشد. پنجم دخول کردن به کنیز حامله‌ای که خریده باشد، پیش از آنکه چهار ماه از

حمل او بگذرد، حرام است. اما ریختن منی در بیرون از فرج او حرام نیست. ششم هرگاه کنیزی را بخرند پیش از آنکه آن کنیز يك حیض ببیند، یا چهل و پنج روز از وقت خریدن او بگذرد، دخول کردن با او حرام است. و آیا در این مدت دست مالیدن با او حرام است یا نه؟ میانه مجتهدین در آن اختلاف است.

و اما پنج وجه مستحب: اول مطلق دخول کردن با زن خود که در همه حال مستحب است. دوم دخول کردن در شب اول ماه رمضان. سوم دخول کردن در شب دوشنبه و سه‌شنبه و پنج‌شنبه و جمعه بعد از خفتن. چهارم دخول کردن در روز پنج‌شنبه در وقت ظهر. پنجم دخول کردن در روز جمعه بعد از عصر. و سنت است دخول کردن در شب، و در وقت دخول و بعد از دخول بسم الله الرحمن الرحیم گفتن، و با وضو بودن هر يك از زن و شوهر، و منی را در خارج فرج ریختن هرگاه کنیز حامله‌ای خریده باشد و بعد از چهار ماه بخواهد که با او دخول کند، و چشم خود را در وقت جماع پوشیدن.

و اما از آن بیست و هفت وجه مکروه: اول برهنه دخول کردن. دوم دخول کردن در کشتی یا جائی که سقف نداشته باشد یا در زیر درختان میوه‌دار. سوم دخول کردن بعد از آنکه محتلم شده باشد، پیش از آنکه وضو بسازد یا غسل کند. چه در حدیث آمده که اگر کسی بعد از آنکه محتلم شده باشد وضو نساخته یا غسل نکرده باشد، با زن خود دخول کند فرزندی که حاصل شود دیوانه باشد. چهارم دخول کردن از وقت طلوع صبح تا برآمدن آفتاب. پنجم دخول کردن در وقت زردی طلوع آفتاب. ششم دخول کردن در وقت ظهر، مگر در روز پنج‌شنبه که سنت است. هفتم دخول کردن در آخر روز، وقتی که آفتاب زرد باشد. هشتم دخول کردن بعد از غروب آفتاب تا برطرف شدن شفق. نهم دخول کردن در شب اول هر ماه، مگر در شب اول ماه رمضان که سنت است. و همچنین مکروه است دخول کردن در اول ساعت شب. دهم دخول کردن در نیمه هر ماه خصوصاً نیمه شعبان. یازدهم دخول کردن در آخر هر ماه. چه در حدیث آمده است که اگر فرزندی در اول ماه یا در میان ماه یا در آخر ماه صورت بزند، از شکم بیفتد و اگر نیفتد دیوانه گردد. دوازدهم دخول کردن در وقتی که ماه یا آفتاب گرفته باشد یا بادهای سیاه و سرخ و زرد ترسناک بوزد یا زلزله باشد. سیزدهم دخول کردن در سفر هرگاه آب یافت نشود. و اما در حضر نیز

اگر آب نباشد دخول کردن آیا مکروه است یا نه؟ میانه مجتهدین درین باره اختلاف است. چهاردهم دخول کردن در مقعد زنان. و حتی بعضی از مجتهدین شیعه این را حرام دانسته‌اند. پانزدهم دخول کردن به زنی که از زنا به هم رسیده باشد، خواه بعقد باشد و خواه او را خریده باشند. شانزدهم دخول کردن در شب عید قربان. هفدهم دخول کردن در فاصله ادای اذان و اقامه. هیجدهم دخول کردن در شبی که روز آن از سفر آمده باشند. نوزدهم دخول کردن در شبی که روزش به سفر روند. بیستم دخول کردن در زنی به اشتباهی غیر آن.

- و مکروه است دخول کردن بر کنیز هر گاه طفلی آنجا باشد که نگاه کند. و وطی کنیز فاجره و کنیزی که از زنا به هم رسیده باشد جایز است. و منی در غیر فرج کنیز ریختن نیز جایز است. و صاحب کنیز می‌تواند به دیگری دخول کردن در کنیز خود را حلال کند و این قسم از خواص فرقه ناجیه اثنی‌عشریه است. درین صورت وطی کردن کنیز به مجرد گفتن صاحبش که دخول کردن بر او را بر تو حلال کردم، حلال می‌شود و تعیین مدت شرط نیست. پس اگر بوسه دادن یا دست مالیدن به بدن او را حلال کند، دخول کردن باو جایز نیست. اما اگر دخول کردن را حلال کند، بوسه دادن و دست مالیدن به بدن او جایز و حلال است.

تتمه، در احکام دخول کردن به شبهه و آن بر سه قسم است: اول چنانچه زنی را در جامه خواب خود ببیند و گمان کند که زن او است (!) به او دخول کند. دوم نسبت به کسیکه دخول به او واقع شده باشد چون دخول کردن کنیز مشترک یا مکاتب یا ام ولد. سوم نسبت به مأخذ حکم، چون دخول کردن به زنی که از زنا مخلوق شده باشد، که چون میانه مجتهدین در حرام بودن دخول باو اختلاف است، پس در این صورت اگر باو دخول کند دخول به شبهه خواهد بود. و اگر به زن شخصی به گمان آنکه زن خود اوست دخول کند، فرزندی که از او حاصل شود فرزند اوست. اما اگر دانسته دخول کند، نسبت بهم نمی‌رسد. و حرام می‌شود مادر آن زن و دختر او بر کسی که به شبهه به آن زن دخول کرده باشد، بشرط آنکه زن نیز جاهل باشد. و در هر موضعی که نگاه کردن به زن حرام است و دست مالیدن به او نیز حرام است، اما زنی را که دست مالیدن باو حرام است نگاه کردن به او لازم نیست که حرام باشد. اما گاه هست که دست

مالیدن بزنجایز است و نگاه کردن باو مکروه، چون دست مالیدن به زن خود و نگاه کردن به فرج او، که نگاه کردن به فرج مکروه است.

- از احکام متربته بر دخول کردن: اول واجب است تعزیر کردن مردی که زن مرده خود را دخول کند. دوم هر گاه شخصی مرتد شود و بعد از خروج از اسلام با زن خود دخول کند، لازم است که مهر او را بدهد. سوم اگر منی خود را در بیرون فرج زن دائمی بریزد بی‌اذن او واجبست که ده مثقال طلا به او بدهد. چهارم هر گاه زنی نام مهر نبرد و شوهر او را پیش از دخول کردن و مشخص ساختن مهر طلاق دهد، واجب است بر شوهر که اگر مالدار باشد، جامه نفیسی که ده مثقال طلا ارزد یا اسبی که قیمت او ده مثقال طلا باشد به آن زن بدهد. و اگر مفلس باشد انگشتری طلا یا نقره بدهد(!). ششم واجب است کشتن و سوختن حیوان ماکول اللحم که با او دخول کرده باشند.

و جمیع این احکامی که مذکور شد، قبل و دبر (پیش و پس) در آنها شریکند و احکامی که بر دخول کردن مترتب می‌شود می‌باید که در آن مقدار باشد که تمام حشفه یا قسمتی از آن در جلو یا عقب غایب شود. و آیا این احکام نسبت به کسی که حشفه او را بریده باشند، نیز مترتب می‌شود یا نه؟ میانه مجتهدین در این مسئله اختلاف است. ظاهر آن است که این احکام در او جاری نیست، مگر در حرام شدن مادر و خواهر دختری که با او دخول کنند.

و طلب سخن کردن زن در نکاح کردن هنگامی لازم است که دخول در قبل او واقع شود و اگر در دبر واقع شود لازم نیست. و بیرون آمدن منی از قبل موجب غسل است بر قول بعضی از مجتهدین. اما بیرون آمدن آن از دبر موجب غسل نیست. (جامع عباسی، باب یازدهم، دخول واجب و حرام و سنت و شیعه).

در سایر احکام جماع

- و اما در باب جماع، احادیث معتبره بسیار است که مومن را وقوف بدانها ضرور است. و از اهم آنهاست آنچه در این باره از حضرت رسول اکرم (ص) روایت شده است. و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمومنین علیه السلام وصیت فرمود که: "یا علی چون زن تازه‌ای اختیار

کردی و داخل خانه تو شد، از درب در خانه تا انتهای خانه آب بپاش که چون چنین کنی خدا هفتاد هزار نوع رحمت بر تو بفرستد و ایمن گردد عروس از دیوانگی و خوره و پیسی تا در خانه تو باشد، و منع کن او را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش."

و پس فرمود: یا علی! ایستاده با زن خود جماع مکن که آن فعل خران است و اگر فرزندی بهم رسد مانند خران بر رختخواب بول کند. یا علی! در شب عید فطر جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید شر بسیار از او بظهور آید. و در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشت یا چهار انگشت در دست داشته باشد. و در شب نیمه شعبان و در روز آخر شعبان جماع مکن که اگر فرزندی حاصل شود در رویش نشان سیاهی باشد یا هلاک بسیاری از مردم بر دست او حاصل شود. یا علی! در زیر درخت میوه‌دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد جلا و کشنده مردم باشد. یا علی! در برابر آفتاب جماع مکن مگر آنکه پرده‌ای بپاویزی. یا علی! در میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید جری باشد در خون ریختن. یا علی! چون زنت حامله شود بی‌وضو با او جماع مکن که اگر چنین فرزندی که بهم رسد کوردل و بخیل باشد. یا علی! بر پشت بام جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریاکار و بدعت‌گزار باشد. یا علی! در شب دوشنبه جماع بکن که اگر فرزندی بهم رسد حافظ قرآن باشد. و در شب سه‌شنبه جماع کن که اگر فرندی بهم رسید او را شهادت روزی شود و دهانش خوشبو باشد. و اگر در شب پنج‌شنبه جماع کنی و فرزندی به هم رسد حاکمی از حکام شریعت یا عالمی از علما باشد. و اگر در روز پنج‌شنبه و قتیکه آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود و فرزندی بهم رسد شیطان نزدیک او نشود تا پیر شود. و اگر در شب جمعه جماع کنی و فرزندی بهم رسد خطیب و سخنگو باشد. و اگر در روز جمعه بعد از ظهر جماع کنی و فرزندی بهم رسد از دانایان مشهور باشد. و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست آن فرزند از ابدال باشد. یا علی! در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی به هم رسد بسا که ساحر باشد. و به فرج زن خود نگاه مکن که باعث کوری فرزند شود. و در وقت جماع سخن مگو که اگر فرزندی حاصل شود بسا که لال باشد. و همه این وصیت‌ها را از من

بیاموز چنانکه من آنرا از حضرت جبرئیل آموختم. (حیلة المتقین، باب چهارم، فصل چهارم).

- بدان که حضرت رسول صلی الله علیه و آله نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد کنند. و فرمود هر که در میان راه جماع کند، خدا و ملائکه و مردم او را لعنت کنند. و فرمود که بیاموزید از کلاغ جماع کردن پنهان را. و فرمود که مکروه است جماع کردن میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب، و در آن روزی که آفتاب در آنروز بگیرد، و در شبی که در آن شب ماه بگیرد، و در شب یا روزی که در آن باد سیاه و سرخ و زرد حادث شود، و الله که اگر جماع کند در این اوقات و پس او را فرزندی بهم رسد، نبیند در آن فرزند چیزی را که دوست دارد زیرا که آیات غضب الهی را سهل شمرده است. (همان کتاب، باب خاتمه).

- از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث معتبر منقول است که فرمود: چون شوهر با زنش مجامعت کند، ده ملک از ملائک آسمان او را احاطه کنند و مانند آن باشد که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد کند (!) پس چون مجامعت کند گناهان از او می‌ریزد، چنانکه برگ از درخت بریزد. - و فرمود که: بر زن لازم است هر وقت شوهرش اراده جماع داشته باشد از او مضایقه نکند، اگر چه بر پشت پالان شتر باشد.

- و فرمود: دختران باکره بخواهید که دهن‌هایشان خوشبوتر و رحم‌هایشان خنکتر و پستان‌هایشان پر شیرتر است. و منقول است که چون آن حضرت به خواستگاری زنی می‌فرستادند، می‌فرمودند که گردنش را بو کنند که خوشبو باشد و قوزک پایش پر گوشت باشد.

- و فرمود که سر را بسیار شانه کردن تب را دور می‌گرداند و روزی می‌آورد و قوت جماع را زیاد می‌کند.

- و فرمود که: نمی‌دانید ترکیب هللیله سیاه و هللیله زرد و سقمونیا و فلفل و دارفلفل و زنجبیل خشک و زنیان و خشخاش سرخ و نمک هندی و نارمشک و قاقله و چوب بلسان و دانه بلسان و سلیخه مقشر و علك رومی و عاقرقرا و

و فرمود پیغمبری از پیغمبران به حقتعالی شکایت نمود از کمی قوت جماع. حقتعالی او را امر فرمود که هریسه بخورد. و فرمود هر که ترك کند طعام خوردن در شب شنبه و شب یکشنبه از پی هم، قوت جماع از او برطرف شود و تا چهل روز به او برنگردد.

و فرمود: جماع کردن با زنان پیر بدن را خراب می‌کند و بسیار باشد که آدمی را بکشد.

و فرمود که: قاووت خشک پیسی را زایل می‌گرداند و خوردن آن با زیتون گوشت را می‌رویاند و استخوان را سخت می‌کند و قوت جماع را زیاد می‌کند.

و فرمود: بخورید خربزه را که قوت جماع را زیاد می‌کند.
و فرمود: سنت پیغمبران است زنان بسیار داشتن و بسیار با ایشان مقاربت کردن.

و فرمود: درخروس پنج خصلت هست که از خصلتهای پیغمبران است و از جمله آنها بسیار جماع کردن است.
و فرمود که: مرد و زن در حالیکه خضاب و حنا و غیره آن بسته باشند، جماع نکنند.

و فرمود: از ما بین ناف تا زانو تمتع بردن از زنان مکروه است، و بهتر آن است که اگر با زن خود که کنیز نباشد جماع کند منی خود را بیرون فرج نریزد.

و فرمود که: نباید مرد را دخول کردن به زن خود در موقع تحت الشعاع و در شب چهارشنبه.

و فرمود: جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه. و نمی‌بینی کسی را که صرع می‌گیرد؟ اکثر برای آن است که جماع پدر و مادرش در اول ماه یا میان ماه و یا در آخر ماه واقع شده است.

و نیز آن حضرت پرسیدند: اگر کسی به دست و انگشت با فرج زن کنیز خود بازی کند، چون است؟ فرمود که: باکی نیست اما چیز دیگری را بغیر از اجزای بدن خود در آنجا داخل نکند(!).

و نیز از آن جناب پرسیدند که می‌توان در میان آب جماع کرد؟ فرمود: باکی نیست، ولی در کشتی جماع نکنند. (همان کتاب، باب دوم، فصول نهم و یازدهم، باب سوم، فصول سوم و پنجم و هفتم و هشتم، باب چهارم، فصول اول و چهارم).

حضرت امام موسی کاظم(ع) فرمود: هر که لذت جماع کردن با کنیزان را دریافت کند، هرگز آنرا ترك نکند.

و فرمود که: چیز خوردن شب را ترك مکنید که غذای شب باعث قوت بدن و قوت جماع است.

و فرمود که: گوشت قبره خوردن از برای دفع بواسیر و درد پشت نافع است و كمك می‌کند برای بسیاری جماع.

و فرمود: خوردن گزر قوت جماع را زیاد می‌کند.

و فرمود که: اگر کسی فرج زن را ببوسد باکی نیست.

و از آن حضرت پرسیدند: قرآن خواندن و جماع کردن در حمام چون است؟ فرمود که بسیار خوب است. (حلیة المتقین، باب سوم، فصول سوم و هفتم و هشتم، باب چهارم، فصل چهارم، باب هفتم، فصل سوم).

- حضرت امام رضا(ع) فرمود که جدم حضرت صادق علیه‌السلام گاهی بعد از جماع و پیش از غسل مجدداً اراده جماع می‌فرمودند و در این وقت فقط وضو می‌ساختند.

و در فقه الرضا از آن حضرت منقول است که اگر بعد از غسل دادن میت و پیش از آنکه خود غسل کرده باشی، خواستی جماع کنی، پس وضو بساز و بعد از آن جماع کن. (همان کتاب، باب چهارم، فصل چهارم).

- علی بن ابراهیم از پدرش، و او از حماد، و او از ربیع، و او از فضیل، روایت کنند که حضرت امام ابی عبدالله صادق علیه‌السلام فرمودند: تا زمانی که مرد زناکار روی شکم زن زناکار باشد ایمان از او سلب شود و چون برخاست ایمانش باز گردد. عرض کردم اگر دوباره قصد زنا کند چطور؟ فرمود نه. چه بسا ممکن است قصد زنا دوباره بکند، ولی نتواند. (اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب الكبائر).

- اگر انسان جماع کند و باندازه ختنه‌گاه یا بیشتر داخل شود، چه در زن باشد چه در مرد، چه در قبل باشد و چه در دبر او، چه بالغ باشد چه نابالغ، اگر چه منی بیرون نیاید، هر دو جنب می‌شوند ولی اگر شك کند که بمقدار ختنه‌گاه داخل شده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

- کسی که آلتش را بریده‌اند، اگر کمتر از ختنه‌گاه را هم داخل کند، روزهاش باطل می‌شود.

- کسی که آلتش را بریده‌اند، اگر شك کند که دخول شده یا نه(!)، روزه او صحیح است.

- اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید یا انسان شك کند که منی از او بیرون آمده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

- اگر مرد با زنی که در حال حیض باشد زنا کند، یا با زن نامحرمی که در حال حیض باشد بگمان اینکه عیال اوست جماع نماید، احتیاط واجب آنست که کفاره بدهد.

- اگر انسان بعد از آنکه در حال حیض جماع کرده و کفاره آنرا داده، دوباره یا چند مرتبه با آن زن جماع کند، بنابر احتیاط باید برای هر جماع يك کفاره بدهد.

- باید در زنی که در حال حیض است بمقدار ختنه‌گاه را داخل نکند، اگر چه منی هم بیرون نیاید. و احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه‌گاه را هم داخل نکند. دخول کردن در مقعد زنی که در حال حیض است، کراهت شدیدیه دارد ولی کفاره ندارد.

- اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسم تقسیم شود، و مرد در قسمت اول آن با زن خود جماع کند، باید هیجده نخود طلا کفاره بدهد. و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود، و اگر در قسمت سوم جماع کند، چهار نخود و نیم بدهد. ولی وطی در پشت او کفاره ندارد. (آیت‌الله خمینی، توضیح المسائل، در مسائل متفرقه زناشویی و مجامعت).

در احکام طفل

- و از زمره این احکام است که پس از تولد طفل، خاک کربلا (علی ساکنها التحیه و الثنا) به کام طفل بمالند، و اگر خاک کربلا نباشد از آب دجله و فرات... و اگر آن نیز نباشد، خرما یا عسل در آب ریزند تا شیرین شود و به کام او بمالند. و مستحب است که خرما را بخایند و بکام طفل بمالند. و سوراخ کردن گوش راست طفل در پائین و سوراخ کردن گوش چپ را در بالا.

و لازم است خوردن به، زن حامله را. چه در حدیث آمده که هر زن حامله‌ای که به بخورد، طفل او خوبروی و خوش طبع شود. و خرما خوردن زن حامله را در وقت دیدن نفاس. چه حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام فرمود که فرزند او در این حالت از حکما گردد. و در بعضی احادیث وارد شده که اگر رطب خورد فرزند او حکیم شود.

و لازم است پیچیدن طفل به خرقة سفید. و مکروه است کنیت کردن ابوالقاسم طفلی را که نام او محمد کرده باشند. و بعضی از مجتهدین این را حرام می‌دانند. و مکروه است نام طفل را حکیم یا خالد یا حارث یا ضرار یا مالک کردن.

و مکروه است کنیت طفل را ابو حکیم یا ابومالک یا ابو عیسی کردن. و مکروه است موی سر طفل را اندکی تراشیدن و اندکی گذاشتن. و مکروه است که طفل را زن کافره‌ای شیر دهد. اما اگر مضطر شود زن جهودیه می‌تواند شیر دهد، بشرطی که او را از خوردن شراب و خوک منع باید کرد و کراهت در زن مجوسیه بیشتر است. و مکروه است که شیر ولدالزنا باشد، یعنی شیر شیردهنده از زنا بهم رسیده باشد. (جامع عباسی، باب یازدهم، در احکام ولادت فرزند از واجب و سنت و مکروه).

- در حدیث است که دختری که شش سالش تمام شود، مادر او را برهنه در پهلوی خود خواباند که بمنزله زنا است (!) (حلیة المتقین، باب چهارم، فصل یازدهم).

- امام صادق علیه السلام فرماید: کودک تا هفت سال بازی می‌کند هفت سال هم درس می‌خواند و نوشتن می‌آموزد و هفت سال حلال و حرام دین را فرا می‌گیرد. پس اگر رستگار شد، چه بهتر و گرنه تربیت‌پذیر نیست. (نکاح المستدرک، ابواب احکام الاولاد، باب هشتماد و سوم).

- رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: حق پسر بر پدر سه چیز است: اول اینکه نام نکو بر او نهد. دوم آنکه خط تعلیمش دهد. سوم آنکه چو بالغ شود تزویجش کند. (همان کتاب، باب شصتم).

- پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: حق پسر بر پدر این است که: نام زیبا بر او بگذارد. قرآن باو بیاموزد. ختنه‌اش کند. شنا تعلیمش دهد. و هنگام بلوغ تزویجش نماید. (همان کتاب، باب هشتماد و ششم).

در احکام دخول بر حیوانات

- در این صورت بر او لازم است: اول قیمت آن حیوان را به صاحبش دهد. دوم حرام شدن گوشت آن حیوان و آنچه از او متولد می‌شود، اگر گوشت او را خورند. سوم کشتن و سوزاندن آن حیوان، اگر گوشت او را خورند. چهارم بیرون آوردن آن حیوان از آنجائی که دخول واقع شده به شهر دیگر، اگر گوشت او را بخورند.

و آیا در این که قیمت آنرا به صاحبش می‌دهد یا خود متصرف می‌شود یا تصدق می‌کند؟ میان مجتهدین اختلاف است. و اگر آن حیوان با حیوانات دیگر متشبه و مخلوط شده باشد، درینصورت جمیع آن حیوانات را دو قسم کنند و قرعه بزنند و اینکار را همچنان ادامه دهند تا آنکه یکی بماند و او را بسوزانند (!) (جامع عباسی، باب نوزدهم، در دخول کردن بر حیوانات).

- اگر حیوانی را وطی کند یعنی با او نزدیکی نماید و منی از او بیرون آید، غسل تنها کافی است. و اگر منی بیرون نیاید، چنانچه پیش از وطی وضو داشته، باز هم غسل تنها کافی است. و اگر وضو نداشته، احتیاط واجب آن است که غسل کند و وضو هم بگیرد.

- مکروه است بول و غیظ حیوانی که انسان آنرا وطی کرده یعنی با آن نزدیکی نموده است.

- اگر کسی با اسب و قاطر و الاغ وطی کند یعنی نزدیکی نماید، گوشت آنها حرام می‌شود و باید آنها را از شهر بیرون ببرند و جای دیگر بفروشند.
- اگر با گاو و گوسفند و شتر نزدیکی کنند، بول و سرگین آنها نجس می‌شوند و باید بدون آنکه تاخیر بیفتد، آن حیوان را بکشند و بسوزانند. (آیت‌الله خمینی، توضیح المسائل، مسائل ۸۶، ۳۵۱، ۲۶۳۱، ۲۶۳۲).

در احکام شکار و ذبح

- و بدانکه شکار حرام است، اگر با آلتی که از خود شکار بزرگتر باشد، شکار شود. و حرام است شکار کردن به غیر از سگ و تیر و نیزه و شمشیر. پس شکار کردن باز و باشه و چرخ و پارس و پلنگ و کمان گروهه و کوفتن سر شکار به تفنگ حرام است. و شکاری که کافر و دشمن اهل‌بیت و دیوانه و طفل غیرممیز بکشند، حرام است.

و مکروه است شکار کردن به سگی که او را آتش‌پرست تعلیم کرده باشد. و شکار کردن به سگ سیاه. و بعضی از مجتهدین این قسم شکار کردن را مطلقاً حرام می‌دانند چه از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام منقول است که می‌فرمود: گوشت شکاری را که سگ سیاه گرفته باشد، نباید خورد. و حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله امر به کشتن سگ سیاه کرده‌اند و مکروه است شکار کردن ماهی در روز و شب جمعه.

و بعضی از مجتهدین برآنند که اگر آن شخص که سگ را سر می‌دهد مسلمان باشد و کور باشد، حلال نیست. و اگر با سگ مسلمان سگ غیر مسلمان نیز باشد و هر دو سگ شکار را بکشند، حلال نیست. و آیا در وقت سر دادن شکار نام خدای تعالی را به عربی گفتن لازم است یا بهر زبانی که گویند جایز

است؟ در این اختلاف است میانه مجتهدین. و اگر حیوانی را که شکار شده باشد، به شمشیر دو نصف کنند، نصف بزرگتر حلال است و بعضی از مجتهدین برآنند که اگر دو نصف یکی حرکت کند و یکی حرکت نکند، آن نصفی که حرکت کند، حلال است. و اگر ماهی از دریا به کشتی کسی در آید، مالک آن نمی‌شود، بلکه به گرفتن او از دیگری اولی است.

و گوشت شتر حلال است و بعضی از سنّیان گفته‌اند که مذهب امامیه بر آن است که گوشت شتر حرام است و غلط کرده‌اند. چه آن مذهب ابوالخطاب است که او در وقتی امامی بوده و بعد غالی شده است.

و اما گوشت بیست قسم حیوان حرام است: اول سگ برّی و بحری. دوم خوک برّی و بحری. سوم گربه اهلی و وحشی. چهارم همه درنده‌ها چون شیر و گرگ و پلنگ و پارس و کفتار و روباه و خرگوش(!) و شغال. پنجم موش اهلی و صحرائی. ششم خز و سنجاب و سمور و فنک. هفتم حشرات چون مار و عقرب و خسفار و مگس و کیک و پشه و شپش و غیر آنها. هشتم حیوانی که عادت به خوردن فضله آدمی کرده باشد، اعم از گاو و گوسفند و مرغ خانگی و ماهی(!) و اردک. نهم حیوانی که گوشت او را خورند، چون گوسفندی که به شیر خوک پرورده شود. دهم حیوانی که گوشت او را خورند و شخصی با او وطی و مقاربت کند. که آن حیوان و نسل او حرام است و واجب است سوزانیدن آن حیوان. و اگر چنین گوسفندی در میان گله مشتبه شود، آن گله را دو قسم کنند و قرعه بزنند و یک قسم را بسوزانند. یازدهم هر پرنده که مخلب یعنی چنگال داشته باشد چون باز و چرخ و عقاب و شاهین و باشه و غیر اینها. دوازدهم کلاغ با جمیع اقسام او. و زاغی که خاکستری رنگ است. سیزدهم خفاش و طاووس. چهاردهم مرغی که او را نشانه تیر میسازند تا آنکه می‌میرد. پانزدهم ماهی که فلوس نداشته باشد. شانزدهم سنگ پشت. هفدهم خارپشت. هیجدهم خرچنگ برّی و بحری. نوزدهم گوشتی که در زیر سپرز بریان کنند، بشرطی که ماهی حرام بر بالای ماهی حلال باشد. اما اگر ماهی حلال بر بالای ماهی حرام باشد، حرام نیست.

و حرام است ماهی را شکار کردن در روز جمعه پیش از نماز، و شکار ملخی که به پرواز نیامده باشد. و حضرت امیرالمومنین (ع) فرمود که شکاری را که سگ سیاه یکرنگ بکند نخورید.

- و اما از جمله مکروهات است گوشت کلاغی کوچک که در حوالی زراعت می‌باشد، و زاغی که به رنگ خاکستر باشد، و هدهد، و خطاف. چه در حدیث آمده که خطاف همیشه الحمد لله رب العالمین می‌گوید. و قبره یعنی چکاوک. چه در حدیث آمده که قبره را نباید خورد و به طفلان نباید داد که به آن بازی کنند، زیرا که او همیشه تسبیح می‌گوید و لعن بر دشمنان اهل بیت می‌کند. و فاخته و جباری و مرد و صوام که مرغیست دراز گردن گردآلود رنگ که بر درخت خرما می‌باشد و شقران، زیرا در حدیث آمده که او مار را می‌کشد.

و بول هر حیوانی حرام است سوای بول شتر جهت شفا. و همچنین حرام است منی و فضلات و سرگین ایشان. و حرام است خوردن شاخ و سم و دندان و ناخن ایشان. و حرام است خوردن ذکر حیوانات و فرج حیوانات و نیز هر دو خایه که منی در آن جمع می‌شود، و مثانه یعنی محل بول او، و حذقه و آن سیاهی است که در چشم می‌باشد. و حرام است خوردن زهرهای کشنده (!) و بنگ خوردن نیز حرام است و اگر کسی را احتیاج به این چیزهای حرام بهم رسد، مثل آنکه در صحرا واقع شود و چیزی دیگر نباشد که بخورد، در این صورت جایز است آنقدر بخورد که سدرمق او شود. و اگر از تشنگی محتاج به خوردن بول باشد، نیز می‌تواند خوردن بول خود یا بول غیر را. ولی مکروه است خوردن آبهایی که بوی کبریت از آن آید. (جامع عباسی، بابهای سیزدهم و چهاردهم، در اقسام شکار از واجب و حرام و سنت و شروط و احکام شکار و اقسام ذبح از حرام و مکروه و سنت و مباح).

- گوشت حیوان حلال گوشت که طبق موازن شرعی ذبح شده باشد، حلال است. ولی گوشت حیوانی که انسان با آن وطی و نزدیکی کرده حلال نیست.

- اگر آهو و بچه‌اش را که نمی‌تواند فرار کند با يك تیر شکار نماید، آهو حلال و بچه‌اش حرام است.

- حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد مانند مار، با سر بریدن حلال نمی‌شود. ولی مرده آن پاك است.

- کسیکه سر حیوان را می‌برد چه مرد و چه زن، باید دشمنی با اهل بیت پیغمبر نداشته باشد. سر حیوان را باید با چیزی که از آهن باشد ببرد. ولی چنانچه آهن پیدا نشود با شیشه و سنگ تیز نیز می‌توان برید.

- مستحب است در موقع سر بریدن سر گوسفند، دو دست و يك پای او را ببندند و پای دیگر را باز بگذارند. و موقع بریدن سر گاو، چهار دست و پایش را ببندند و دمش را باز بگذارند. و موقع بریدن سر شتر، دو دستش را از پائین تازانو یا تا زیر بغل بیکدیگر ببندند و پاهایش را باز بگذارند.

- اگر با سگ غصبی یا اسلحه غصبی حیوانی را شکار کنند، شکار حلال است ولی باید اجرت اسلحه یا سگ را به صاحبش بدهند.

- ماهی مرده‌ای که معلوم نیست آنرا زنده از آب گرفته‌اند یا مرده، چنانچه در دست مسلمان باشد، حلال است. و اگر در دست کافر باشد، حرام است.

- خوردن ماهی زنده اشکال ندارد.

- اگر ملخ را با دست یا بوسیله دیگری زنده بگیرند، بعد از جان دادن خوردن آن حلال است. ولی اگر ملخ مرده‌ای در دست کافر باشد، حلال نیست.

- خوردن سرگین و آب دماغ حرام است. ولی اگر مقداری از آن بطوری با چیز حلال مخلوط شود که در نظر مردم نابود حساب شود، خوردن آن اشکال ندارد.

- خوردن گوشت اسب و قاطر و الاغ مکروه است. و اگر کسی با آنها وطی کند یعنی مقاربت نماید، حرام می‌شوند.

- اگر با گاو و گوسفند و شتر نزدیکی کنند، بول و سرگین آنها نجس می‌شود و آشامیدن شیر آنها هم حرام است. و باید بدون آنکه تاخیر بیاقتد آن حیوان را بکشند و بسوزانند. بلکه اگر به حیوان دیگری هم نزدیکی کنند، شیر آن حیوان حرام می‌شود.

- گوسفند و حیوانات دیگر را اگر ذبح کنند با کارخانه‌ها و مکینه‌هایی که اخیراً در بعضی بلاد متعارف شده است، حرام و مردار و نجس است. چه کلید

برق را مسلمان بزند و تسمیه بگوید و از حلو قم ببرد یا نه، چه برسد به آنکه این امور نیز رعایت نشود. (آیت‌الله خمینی، توضیح المسائل، احکام سربریدن و شکار کردن حیوانات، احکام شکار کردن، سگ و صید ماهی و ملخ، مکروهات).

در احکام خوردن و آشامیدن

- اما آنچه تعلق به طعام خوردن دارد، هفتاد و چهار امر است. يك امر واجب، و چهل و چهار امر مستحب، و چهار امر حرام، و بیست و پنج امر مکروه. اما يك امر واجب آن است که اگر در ظرف طلاکوب و نقره کوب طعام خورند، دهن را از موضع طلا و نقره برگردانند.

اما از جمله اموری که مستحب است: اول پاك نکردن دست خود به مندیل پیش از طعام خوردن. چه در حدیث ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین وارد شده که تا رطوبت در دست باشد برکت در آن طعام است. دوم نشستن بر زانوی چپ در حالت طعام خوردن. سوم به سه انگشت طعام خوردن. چهارم انگشتان خود را لیسیدن. پنجم به مردم نگاه کردن در حالت طعام. ششم هر دو دست را بعد از طعام شستن و بعد از شستن به ابروی خود مالیدن. هفتم آبهایی را که از دست شستن بهم می‌رسد در يك ظرف جمع کردن. هشتم بعد از خوردن طعام بر پشت افتادن و پای راست را بر بالای پای چپ نهادن. نهم پیش از طعام ابتدا به نمك کردن، و بعد از طعام ختم به سرکه یا نمك نمودن. دهم دهن را بعد از طعام به سعد یعنی به مشك زمین که به ترکی بتلاق گویند شستن. چه در حدیث آمده که بواسیر را نافع است و قوه جماع را نیز می‌دهد. یازدهم شب سیر خوابیدن مرد پیر. که هر گاه مرد پیر شب بخوابد و شکم او سیر باشد، باعث آن می‌شود که شب خواب کند و بوی دهن او نيك شود. دوازدهم بعد از گذاردن نماز خفتن، چیزی خوردن. که این از عادت پیغمبران است. سیزدهم خوردن پاره نان که در رهگذر یافته باشند. چه در حدیث آمده که اگر نجس باشد و آنرا بشوید و بخورد، هفتاد حسنه در دیوان اعمال او نوشته شود.

اما از جمله آن بیست و پنج امری که مکروه است: اول بعد از طعام هر گاه آروغ زند سر بسوی آسمان کردن. دوم مربع نشستن در وقت طعام خوردن. چه در حدیث آمده که مربع نشستن (چهار زانو) را خدایتعالی دوست نمی‌دارد. سوم طعام خوردن بدست چپ با اختیار. چهارم طعام خوردن در حالی که راه روند. پنجم اجابت کردن دعوت طعامی که جهت ختنه دختران پخته باشند. ششم نان را به کارد بریدن. هفتم پاك کردن استخوان از گوشت. چه در حدیث آمده که جنیان را در آن نصیبی هست، پس اگر تمام گوشت او را بخورند آنها هم از روی لجاجت در آن خانه بهتر است می‌برند. هشتم مرد پیر را گرسنه خوابیدن در شب. نهم ترك طعام شب. چه در حدیث آمده که هر کس که شب سه‌شنبه و شب یکشنبه شام نخورد، قوت از او می‌رود و تا چهل شبانه روز باز نمی‌آید. دهم به دو انگشت طعام خوردن با اختیار. یازدهم خلال کردن به چوب درخت خرما و نی ریحان، چه اینها سبب جذام می‌شود. دوازدهم ماهی خوردن. چه در حدیث آمده که خوردن گوشت ماهی، بدن را می‌ریزند. سیزدهم پنیر بی مغز گردو و گردو بی پنیر خوردن. چهاردهم گوشت قاق خوردن. پانزدهم گوشت گندیده خوردن. شانزدهم از چیزی که موش از آن خورده باشد خوردن. (جامع عباسی، باب پانزدهم، در بیان اقسام طعام خوردن از واجب و حرام و سنت و مکروه و آداب طعام خوردن).

و اما در احکام آب نوشیدن آنچه مستحب است سیزده امر است و از آن جمله: اول خواندن این در دعا در وقت آب خوردن (متن مفصل دعا). دوم آنکه آب را بمکد. سوم آب را به هر دو دست بنوشد. چهارم آنکه به سه نفس بنوشد، اگر آب دهنده غلام باشد. پنجم آنکه از نزدیک دسته کوزه و از موضع شکسته آب ننوشد. ششم آبی بنوشد که از ناودان خانه کعبه فرود آمده باشد.

و از زمره آنچه در آب نوشیدن مکروه است: اول آب نیل مصر نوشیدن، که دل را می‌میراند. دوم به يك نفس آب نوشیدن، اگر آب دهنده غلام باشد. سوم به سه نفس آب نوشیدن، اگر آب دهنده آزاد باشد. چهارم به یکبار فرو بردن آب، چه باعث مرض کباد می‌شود و آن مرضی است در جگر. پنجم ایستاده آب نوشیدن. ششم تگرگ خوردن. (همان کتاب، باب پانزدهم، در آداب آب نوشیدن).

- سنت است که چاشت را بامداد بخورد. و بعد از نماز خفتن بار دیگر طعام بخورد... و در موقع خوردن به روی مردم نظر نکند. و در طعام گرم ندمد (فوت نکند). و نان را به کارد نبرد. و استخوان را پاك نکند. و به کمتر از سه انگشت چیزی نخورد که رسول اکرم (ص) فرمودند: به دو انگشت غذا خوردن کار شیطان است. و در حالت جنابت مکروه است طعام خوردن و آب خوردن و گرنه بیم آن است که پیس شود. و حضرت امیرالمومنین (ع) فرمود که از بالای ظرف آبگوشت بخورید و از پهلوهایش نخوردی که برکت در بالای طعام است و به سند معتبر از حضرت رسول اکرم (ص) منقول است که هر گاه کسی طعام بخورد، انگشتان خود را بلیسد و بمکد. و نیز به سند معتبر از حضرت علی بن الحسین (ع) منقول است که استخوان را پاك مکنید که اجنه را در آن بهره هست و اگر پاك کنید ایشان از خانه شما می‌برند چیزی را که از آن بهتر باشد.

- و سنت است که بدست راست غذا بخورد. و بر دو زانو بنشیند. و خوابیده چیزی نخورد. و چهار زانو مکروه است. و اگر پا را بر روی زانو گذارد آن هم بدتر است. و تنها غذا خوردن مکروه است. و دست شستن پیش از طعام از سنت است اما باید دست را بدستمال خشك نکند. رسول اکرم (ص) نهی فرمود از خوردن و آشامیدن به دست چپ. و امام جعفر صادق (ع) فرمود که دست شستن پیش و بعد از طعام، چشم را جلا می‌دهد و نیز آن حضرت (ع) فرمود که دستها را همه در يك ظرف بشوئید تا اخلاق شما نیکو شود و بهتر است که در آن آب سعد داخل کنید که بر قوت جماع می‌افزاید.

- و از حضرت رسول اکرم (ص) منقول است که چون سفره غذا را بگسترند، چهار هزار ملك بر دور آن حلقه زنند. و اگر بنده بسم الله گفت، به شیطان گویند: برو ای فاسق که ترا بر ایشان سلطنتی نیست. و اگر بسم الله در اول نگویند، ملائک به شیطان گویند بیا ای فاسق و با ایشان طعام بخور.

- و در حدیث معتبر از امام رضا (ع) منقول است که هر گاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پای راست را بر روی پای چپ بگذار. و از حضرت امام صادق (ع) منقول است که نان را در زیر کاسه مگذارید. و در چند

حدیث معتبر دیگر منقول است که نان را به روش عجمان با کارد نبرید، بلکه بدست بشکنید. و حضرت امام موسی کاظم(ع) فرمود که پس از غذا خلال کنید. اما خلال مکنید به چوب گل و درخت انار، که هر دو رگ خوره را به حرکت می‌آورند. و حضرت صادق(ع) فرمود که جبرئیل برای حضرت رسول اکرم(ص) مسواک و خلال و حجامت را آورد. و آن حضرت به هر چه می‌یافتند خلال می‌کردند به غیر از برگ درخت خرما و نی و درخت مورد.

- و حضرت امام رضا(ع) فرمود که اگر کسی بقدر دو کف طعام بخورد و آب بعد از آن نخورد، عجب دارم که معده‌اش شق نمی‌شود؟ (حلیة‌المتقین، باب سوم، فصول چهارم و پنجم و ششم).

- از حضرت امام جعفر صادق(ع) منقول است که هر بنده‌ای که آب بخورد و حضرت امام حسین(ع) و اهل بیت را یاد کند و لعنت کند بر کشتگان آنحضرت، حقتعالی ۱۰۰,۰۰۰ حسنه برای او بنویسد و ۱۰۰,۰۰۰ گناه از او بیندازد و ۱۰۰,۰۰۰ درجه برای او بلند کند و چنان باشد که ۱۰۰,۰۰۰ بنده آزاد کرده باشد.

و نیز فرمود که: اگر شخصی آب بخورد و هنوز سیر نشده حمد خدا را بگوید، پس باز بخورد و هنوز سیر نشده از لب باز گیرد و حمد خدا بگوید، و سپس باز بخورد، پس حقتعالی به سبب این بهشت را بر او واجب گرداند(!).

- سنت است که آب به سه نفس خورده شود. و در احادیث بسیار وارد شده است که در روز، آب ایستاده خوردن خوب است، و شب آب نشسته خوردن خوب است، و در شب ایستاده خوردن آب، باعث غلبه زرداب و صفرا می‌شود.

- و از حضرت امام محمد باقر(ع) منقول است که از پیش دسته کوزه و از جائیکه شکسته باشد، یا رخنه‌ای داشته باشد، آب نخورید که این دو موضع شیطان است.

- و حضرت صادق(ع) نهی فرمود از آب خوردن به دست چپ، و فرمود که آبرای بمکید. (همان کتاب، باب سوم، فصول یازدهم و دوازدهم).

- مستحب است: با دست راست غذا بخورد. با سه انگشت یا بیشتر غذا بخورد. و با دو انگشت نخورد. انگشتها را بعد از غذا خوردن بلیسد. و بعد از غذا خلال نماید، ولی با چوب انار و ریحان و نی و برگ درخت خرما خلال نکند. بعد از خوردن غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بیاندازد. در اول غذا و آخر غذا نمک بخورد.

- و مکروه است: نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن، و خوردن غذای داغ، و فوت کردن چیزی که می‌خورد و می‌آشامد، و پاره کردن نان به کارد، و پاک کردن گوشتی که به استخوان چسبیده، و پوست کندن میوه. در آشامیدن آب مستحب است که: آنرا بطور مکیدن بیاشامد، در روز ایستاده آب بخورد، به سه نفس بیاشامد، و بعد از آشامیدن آب قاتلان حضرت اباعبدالله را لعنت نماید.

- و مکروه است: آشامیدن آب بعد از غذای چرب، در شب بحال ایستاده، و آشامیدن آب با دست چپ، و آشامیدن از جائیکه نزدیک دسته کوزه باشد. (آیت‌الله خمینی، توضیح المسائل، احکام خوردنی‌ها و مستحبات و مکروهات آن).

در احکام دارالخلاء

- و آن بیست و یک چیز است: سه چیز واجب است و پنج چیز حرام و پنج چیز سنت و هشت چیز مکروه. اما آن سه چیز که واجب است: اول پوشانیدن عورتین از نامحرم. دوم آنکه از قبله منحرف نشیند، یعنی روی و پشت به قبله نکند. سیم مخرج بول را به آب مطلق طهارت دادن. نه به گلاب و امثال آن، و نه به کلوخ که آن مذهب سنّیان است. اما مخرج غایط را که حوالی آن موضع به آن آلوده نشده باشد، به کلوخ و لته و پنبه و امثال آن طاهر می‌توان کرد، هر چند که آب میسر باشد اما لازم است که از سه نوبت کمتر نباشد، اگر چه به دو نوبت یا کمتر پاک شود. و اگر حوالی آن آلوده شده باشد پاک کردن آن به آب می‌باید و بس.

اما آن پنج چیز که حرام است: اول مخرج غایط را به سرگین پاک کردن، هر چند سرگین از حیوانی باشد که گوشت آن حلال است. دوم به چیزی پاک کردن که خوردنی باشد مثل میوه و غیر آن. سیم به استخوان پاک کردن که

آن نیز حرام است. چهارم به چیزی پاك كردن كه محترم باشد مثل كاغذی كه علم دين بر آن نوشته شده باشد. پنجم به دستی استجاء كردن كه در آن انگشتری باشد كه نام یکی از ائمه معصومین علیهم السلام بر آن نقش شده باشد.

اما آن پنج چیز كه سنت است: اول آن است كه در جایی نشیند كه هیچكس او را نبیند مثل گودال یا پس دیوار. دوم آنكه در وقت داخل شدن به دار الخلاء اول پای چپ خود را پیش كند و در وقت بیرون آمدن پای راست را. سوم آنكه در وقت طهارت كردن سنگینی بدن خود را بر پای چپ اندازد. چهارم آنكه به نوبت از مقعد تا بیخ ذكر تا حشفه را و بعد از آن سه نوبت ذكر را بشارد. پنجم آنكه اول مقعد را طهارت دهد و بعد ذكر را.

و اما هشت چیز كه در موقع طهارت كردن به فعل آوردن آن مكروه است: اول روی یا پشت خود را به جانب آفتاب یا ماه كردن بعنوانی كه نور آفتاب یا ماه به عورتین او بتابد و یا روی بجانب باد بول كردن. دوم با دست راست مقعد را پاك كردن. سوم بول كردن در زمین سخت. چهارم بول كردن در سوراخهای حیوانات مثل مورچه و مار. پنجم طهارت گرفتن در شارع. ششم طهارت كردن در آب، خواه روان و خواه ایستاده. هفتم طهارت كردن در زیر درختی كه میوه داشته باشد. هشتم حرف زدن در وقت طهارت گرفتن مگر به یکی از چهار چیز: اول ذكر خدای تعالی. دوم آیه الكرسی خواندن. سوم حكایت اذان یعنی هر چه موذن بگوید، این كس نیز بگوید. چهارم اگر امر ضروری باشد كه اگر حرف نزنند آن امر فوت شود. (جامع عباسی، باب اول، واجبات و محرمات و مكروهات و سنن بیت الخلاء رفتن).

- و چون حاجت داری به رفتن به بیت الخلاء، پس بدان كه آداب بیت الخلاء بسیار است. و جمله‌ای از آن بطور اختصار آن است كه: مقدم می‌داری در وقت داخل شدن پای چپ را. و می‌گویی "بسم الله و بالله اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم". و چون عورت باز كردی بسم الله می‌گویی. و واجب است در این حال، بلکه در تمام حالات، مستور كردن عورت را. و حرام است در این حال رو به قبله و پشت به قبله نشستن. و مستحب است آنكه بگویی در حال قضاء حاجت: "اللهم اطعمنی طیباً فی عافیة و اخرجه منی خبیثاً فی عافیة". و وقتی كه نظرت افتاد بر آنچه از تو دفع شده

می‌گوئی: "اللهم ارزقنی الحلال و جنبنی الحرام". و چون خواستی طهارت بگیری، اول استبراء می‌کنی، پس دعای رویت آب را می‌خوانی: "الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعلہ نجسا". و در وقت طهارت می‌گویی: "اللهم حصن فرجی و اعفه و استر عورتی و حرمنی علی النار". و چون از جای برخاستی، دست راست را بر شکم می‌کشی و می‌گوئی: "الحمد لله الذی اماط عنی الادی و هنانی طعامی و شرابی و عافانی من البلوی". پس بیرون می‌آیی و مقدم می‌داری پای راست را بر پای چپ. و این دعا را می‌خوانی: "الحمد لله الذی عرفنی لذته و اتقی فی جسدی قوته و اخرج عنی اذاه یا لها نعمه یا لها نعمه لا یقدر القادرون قدرها". (مفاتیح الجنان، و باقیات و صالحات، باب اول، در آداب بیت‌الخلا).

- چون خواهد که داخل بیت‌الخلاء شود، سر را ببوشاند. و اگر در بالای عمام چیزی بر سر گیرد، بهتر است. و چون داخل شود بسم الله بگوید و این دعا را بخواند (متن دعا). بعد از آن بگوید (متن دعای دوم). و چون داخل شود پای چپ را مقدم بدارد. و چون عورتش باز شود، بسم الله بگوید تا شیطان چشم بر هم نهد و نظرش به عورت او نیفتد. و چون درست بنشیند، بگوید (متن دعا). و چون بر محل تخلیه بنشیند، تکیه بر پای چپ کند و پای راست را گشاده گذارد. و اگر غایط یا بول به دشواری بیرون آید، این دعا را بخواند (متن دعا). و در حدیث است که بر هر بنده‌ای فرشته‌ای موکل است که در بیت‌الخلاء سر او را به زیر بیاندازد که نظر به مدفوع خود کند... پس سزاوار است که بنده در این حال این دعا بخواند (متن دعا). و چون برخیزد دست بر شکم خود مالد و بگوید (متن دعا). و در برخی از کتب معتبره خواندن این دعا سه مرتبه وارد شده است. و سنت است که بعد از قطع قطرات بول، استبراء کند و بعضی این کار را واجب می‌دانند. و طریقه استبراء آن است که انگشت وسطی دست چپ را نزدیک مقعد گذاشته به قوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه، پس انگشت شهادت را به زیر ذکر گذارد و انگشت بزرگ را بر بالای آن به قوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه، و اکثر علما گفته‌اند که سر ذکر را سه مرتبه بفشارد. و سنت است مقعد را شستن به آب سرد که دفع بواسیر می‌کند. و بسیار نشستن در دار‌الخلاء

مکروه است، زیرا منقول است که حضرت لقمان فرمود که در همه بیت‌الخلاءها نوشتند که بسیار نشستن در بیت‌الخلاء باعث بواسیر می‌شود. و پاک کردن مقعد به استخوان و سرگین مکروه است، زیرا در حدیث معتبر آمده است که اجنه به خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمدند و از برای خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند. حضرت استخوان را برای ایشان و سرگین را برای حیوانات ایشان قرار داد. و باین سبب استخوان را پاک کردن خوب نیست. همچنین پاک کردن مقعد به سایر خوراکیها خصوصا نان کراهت شدید دارد. و چیزهای محترم مثل خاک تربت حضرت امام حسین علیه‌السلام و نوشته‌ای که در آن آیه‌های قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران یا ائمه علیهم‌السلام یا حدیث یا فقه بوده باشد، حرام است. و پاک کردن یا نشستن مقعد به دست راست مطلقا مکروه است. و اگر در دست چپ انگشتی باشد که در آن اسم خدا باشد، استنجا به دست چپ هم مکروه است. و علمای اعلام، اسماء ائمه معصومین صلوات الله علیهم را نیز هرگاه به قصد نام ایشان کنده باشند، بدین کراهت الحاق کرده‌اند. و مکروه است با خود بردن به بیت‌الخلاء چنین انگشتی را هر چند هم که در انگشت نباشد. و همچنین با خود بردن نقره سکه‌دار را مگر آنکه در کیسه باشد. و مکروه است مسواک کردن در بیت‌الخلاء که باعث گند دهان می‌شود. و مکروه است حرف زدن در آن حال، مگر آنکه ذکر خدا بکنند یا آیه‌الکرسی بخوانند و حمد الهی بکنند یا آنچه مؤذن می‌گوید از پی آن بگویند. و واجب است که اگر اسم حضرت رسول صلی الله علیه و آله را در بیت‌الخلاء بشنود صلوات بفرستد. و نیز سنت است اگر در بیت‌الخلاء عطسه کند، حمد بگوید و صلوات بفرستد... و منقول است که هر که در بیت‌الخلاء سخن بگوید، حاجتش برآورده نشود. و مکروه است خوردن و آشامیدن در هنگام بول و غایط.

- در حدیث معتبر منقول است که روزی حضرت امام حسن علیه‌السلام داخل بیت‌الخلاء شدند. لقمه نانی دیدند که در آنجا افتاده است. برداشتند و به غلامی از غلامان خود دادند. چون بیرون آمدند، پرسیدند که چه شد لقمه نان؟ گفت خوردم. فرمود ترا آزاد کردم، زیرا از جدم رسول الله شنیدم که هر که لقمه نانی در دارالخلاء بیابد و آنرا فوت کند و بخورد، پس از آتش جهنم آزاد گردد.

- و نیز در حدیث صحیح از حضرت امام باقر (ع) منقول است که هر که بر روی قبر بول یا غایط کند یا ایستاده بول کند یا در خانه تنها بخوابد، شیطان او را بگیرد و دیوانه کند.

- و نیز از حضرت رضا (ع) منقول است که فرمودند: هر گاه بول آمد بکن، و تا ضرور نشود جماع مکن، و هر گاه که تو را خواب گیرد خواب بکن. (حلیة المتقین، باب هشتم، فصل یازدهم، باب اول، فصل دوازدهم، باب سوم، فصل ششم، باب نهم، فصل سوم).

- واجب است انسان وقت تخلی، عورت خود را از کسانیکه بالغ شده‌اند اگر چه خواهر و مادر و سایر کسانی که محرم هستند و همچنین از دیوانه ممیز و بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد، بپوشاند.

- تخلی در کوچه بن‌بست و ملک کسی که اجازه تخلی نداده است و در محل وقف مثل بعضی مدرسه‌ها و روی قبر مومنین حرام است.

- در صورتیکه نجاست دیگری مثل خون با غایط بیرون آمده باشد، یا نجاستی از خارج به مخرج غایط رسیده باشد، یا اطراف مخرج بیش از مقدار معمول آلوده شده باشد، باید مخرج غایط را با آب شست. در غیر این سه صورت می‌شود آنرا با پارچه و سنگ و کلوخ پاک کرد.

- هرگاه با سنگ و کلوخ و مانند اینها غایط را از مخرج برطرف کنند، نماز خواندن مانعی ندارد. و ذره‌های کوچک و لزج بودن محل، اشکال ندارد.

- لازم نیست با سه سنگ یا سه پارچه مخرج را پاک کنند، بلکه با اطراف يك سنگ هم کافی است. ولی با استخوان و سرگین و کاغذی که اسم خدا بر آن نوشته باشد، اگر محل را پاک کند، نمی‌تواند نماز بخواند.

- اگر مخرج غایط را با آب بشویند، باید چیزی از غایط در آن نماند. ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد.

- مردها بعد از بیرون آمدن بول باید استبراء کنند. و بهترین قسم استبراء این است که بعد از قطع شدن بول، اگر مخرج غایط نجس شده اول آنرا تطهیر کنند. بعد سه دفعه با انگشت میانه دست چپ از مخرج غایط تا بیخ آلت بکشند.

بعد شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا ختنه‌گاه بکشند و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند.

- اگر انسان شك کند که استیرا کرده یا نه، نجس می‌باشد. ولی اگر شك کند استبراء که کرده، درست بوده یا نه، و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه، پاک می‌باشد.

- اگر انسان بعد از بول استبراء کند و وضو بگیرد، چنانچه بعد از وضو رطوبتی ببیند که نداند یا بول است یا منی، واجب است احتیاطاً غسل کند، وضو هم بگیرد.

- آبی که گاهی بعد از ملاعبه با خود یا با زنان از انسان خارج می‌شود و به آن مذی می‌گویند، پاک است. و نیز آبی که گاهی بعد از منی بیرون می‌آید و به آن وذی گفته می‌شود، و آبی که گاهی بعد از بول بیرون می‌آید و به آن ودی می‌گویند، اگر بول به آن نرسیده باشد، پاک است.

- مستحب است در موقع وارد شدن به مکان تخلی، اول پای چپ و موقع بیرون آمدن اول پای راست را بگذارد. همچنین مستحب است در حال تخلی سر را ببوشاند و سنگینی بدن را بر پای چپ بیاندازد.

- نشستن روی خورشید و ماه در موقع تخلی مکروه است. و نیز در موقع تخلی نشستن روی ماه و در جاده و خیابان و کوچه و درب خانه و زیر درختی که میوه می‌دهد، و چیز خوردن در موقع تخلی و توقف زیاد و تطهیر کردن با دست راست مکروه می‌باشد. همچنین است حرف زدن در حال تخلی، ولی ذکر خدا را بگوید اشکال ندارد.

- مستحب است انسان پیش از جماع و بعد از بیرون آمدن منی بول کند. (آیت‌الله خمینی، توضیح المسائل، احکام تخلی و استبراء و مستحبات و مکروهات تخلی).

در احکام خانه

- از حضرت امام جعفر صادق (ع) منقول است که حقتعالی ملکی را موکل گردانیده است که هر که سقف خانه‌اش را زیاده از هشت ذرع بلند کند، باو می‌گوید که تا کجا می‌خواهی بروی ای فاسق؟ و طبق روایت دیگری حتی

فرمود که فاسق‌ترین فاسقان؟!... و در حدیث دیگر منقول است که شخصی شکایت کرد به آن حضرت که جنیان، خانه و عیال مرا آزار می‌کنند. حضرت پرسید که ارتفاع سقف خانه‌ات چقدر است؟ گفت ده ذرع. حضرت فرمود مگر نمی‌دانی که هر که سقف خانه خود را زیاده از هشت ذرع بلند کند، اجنه و شیاطین در آن خانه جا می‌کنند؟ پس باید که سقف خانه‌ات هفت ذرع باشد. زیرا آنچه زیاده از هفت ذرع است، شیطان در آن ساکن می‌شود و بدرستی که شیطان در آسمان و زمین نمی‌باشد، بلکه در میان هوا می‌باشد.

و در حدیث دیگر منقول است که شخصی به حضرت امام محمد باقر (ع) شکایت کرد که جنیان ما را از خانه بدر کرده‌اند. فرمود که سقف خانه خود را هفت ذرع کن و کبوتر در اطراف خانه جا بده. آن شخص گفت چنین کردم و دیگر بدی ندیدم.

- در احادیث معتبره از حضرت رسول اکرم (ص) منقول است که چراغها را در شب خاموش کنید، که آن فاسقك که موش باشد، فتیله را نکشد که آتش در خانه اندازد.

و نیز آن حضرت (ص) فرمود که خانه شیطان در خانه‌های شما جائی است که عنکبوت در آن می‌تند.

و حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمود که خاکروبه خانه را شب در خانه مگذارید که شیطان در آن جا می‌گیرد (حلیة‌المتقین، باب دوازدهم، فصول اول و یازدهم).

- حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود: هر که تنها در خانه بخوابد، شیطان او را بگیرد و دیوانه‌اش کند.

- و فرمود دهان ظرفهای آب و درب خانه‌ها را ببندید، که شیطان درب بسته و ظرف سر بسته را نمی‌گشاید.

- و فرمود: نان در خانه بپزید و از بازار مخرید که از تلخی‌های زندگانی است نان از بازار خریدن.

- و فرمود: من ضامنم برای کسیکه تحت الحنك بسته باشد که چون از خانه بیرون رود، بسلامت بخانه باز گردد.

- و فرمود: خانه خود را جاروب کنید تا شبیه نشوید به جهودان. که ایشان جاروب نمی‌کنند. (همان کتاب، باب دوازدهم، فصول دوم و یازدهم و دوازدهم، باب چهاردهم، فصول چهارم و یازدهم).

- از مکروهاتی که فقر می‌آورد: در حال جنابت چیز خوردن است، مگر اینکه غسل کند یا اینکه مضمضه و استنشاق را سه مرتبه انجام دهد. همچنین تنظیف در شب یعنی وقتیکه منزل کثیف شده شب جاروب کند. دیگر ظرف آب را سر باز گذاردن. دیگر برطرف نکردن تار عنکبوت از دیوار و سقف خانه است. دیگر نشستن در آستانه در است. دیگر اینکه روی نان که در سفره گذاشته می‌شود، چیز دیگری بگذارد. مثلاً قاب پلو را روی نان بگذارد. (آیت‌الله دستغیب شیرازی، کتاب معراج، تفسیر سوره نجم، موجبات فقر و غنا).

در احکام لباس پوشیدن

- و اما احکام رخت پوشیدن و عمامه پیچیدن و انگشتری بدست کردن و کفش نعلین بر پای کردن، پنج قسم و چهل سه حکم است. و از جمله آنچه حرام است: اول پوشیدن مردان حریر محض را در غیر موقع جنگ. دوم پوشیدن پوست مرده. سوم رخت خوب پوشیدن زن اجنبیه، بقصد آنکه با او زنا کنند. و مستحب است: اول آنکه رختی که می‌پوشند قیمتی باشد بجهت تجمل و زینت. دوم آنکه سفید باشد و از پنبه باشد. سوم آنکه کوتاه باشد. چهارم آنکه استین آن جامه از انگشتان دست درازتر نباشد. پنجم آنکه در حالت پوشیدن جامه کوزه نو را پر آب سازند و سوره انا انزلناه را سی و دو بار بر آن بخوانند و بدمند و قدری از آن آب بر جامه پاشند. که حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام فرموده‌اند این سبب فراخی نعمت می‌شود. ششم ایستاده عمامه ببندند. چه در حدیث از نشسته پیچیدن عمامه نهی وارد شده. هفتم همیشه تحت الحنك ببندد. هشتم زیر جامه را رو به قبله نپوشد. نهم کفش و نعلین را نشسته بپوشد. دهم در وقت پوشیدن نعلین پای راست را پیش از پای چپ در آن کند، و در وقت کندن اول از پای چپ بکند. یازدهم در وقت نعلین پوشیدن این دعا را بخواند (متن دعا). دوازدهم در وقت کندن نعلین این دعا را بخواند (متن دعا). سیزدهم نعلین

سفید بپوشد که نعلین زرد لباس پیغمبران است. چهاردهم پیراهن بپوشد که در حدیث آمده است که پوشنده را فریه می‌کند. پانزدهم انگشتری به دست راست کند و نگین انگشتر از یاقوت باشد. چه در حدیث آمده که مفلسی را می‌برد. شانزدهم انگشتری که نگین آن جزع یمانی یا بلور باشد، در دست کند.

و مکروه است: اول پوشیدن کفش و نعلین سرخ در حضر، اما در سفر مکروه نیست. دوم پوشیدن نعلین سیاه، چه در حدیث آمده که به چشم ضرر می‌رساند اما کفش سیاه پوشیدن مکروه نیست. سوم پوشیدن جامه سیاه، چه از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام منقول است که حق تعالی وحی فرستاد به پیغمبری از پیغمبران که به مومنان بگو که لباس دشمنان مرا نپوشند یعنی جامه سیاه. چهارم جامه سرخ پوشیدن مگر در عروسی. پنجم پوشیدن جامه‌ای که زرد باشد یا به رنگ زعفران رنگ کرده باشند مگر در عروسی، چه در حدیث آمده که حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام فرمود که رنگ کردن جامه به زعفران خاصه بنی‌امیه است. و نیز در حدیث آمده که خود آن حضرت وقتی قبای زرد پوشیده‌اند و در جواب پرسش احباب گفته‌اند که من چون داماد شده‌ام، جهت آن قبای زرد پوشیده‌ام. ششم آنکه يك کفش یا يك نعل پوشیده به راه روند، مگر آنکه یکی را بدوختن داده باشند. چه در حدیث آمده که هر که در يك نعل راه رود، شیطان باو ضرر می‌رساند. هفتم انگشتری از آهن در دست کردن. هشتم عمامه را نشسته پیچیدن. (جامع عباسی، باب پانزدهم، در اقسام رخت پوشیدن از واجب و سنت و حرام و مکروه و مباح).

- از حضرت صادق (ع) منقول است که حضرت رسالت پناه (ص)، بر سر حضرت امیرالمؤمنین (ع) عمامه بدست مبارک خود پیچیدند و يك سر عمامه را از پیش رو آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاه‌تر از عقب سر آویختند. پس فرمود که برو، رفت. پس فرمودند که بیا، آمد. آنگاه فرمودند که چنین است والله تاجهای ملائکه!

- و از حضرت امیرالمؤمنین (ع) منقول است که فرمود: مبادا مرد را که عریان شود، که هر گاه مرد عریان شود، شیطان باو نظر می‌کند و در او طمع می‌کند.